



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری  
جهان اسلام (ISC)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)

**بررسی وضعیت نشریات علمی حوزه زبان‌شناسی در استفاده از واژه‌های مصوب  
فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بر اساس فرهنگ هزارواژه زبان‌شناسی**

مجری طرح: مرضیه کهن‌دل جهرمی

دی ماه ۱۴۰۲

## صفحه

## فهرست مندرجات

۱	کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۶	بیان مسئله
۷	ضرورت انجام طرح
۹	هدف پژوهش
۹	سئوالات پژوهش
۱۰	مبانی نظری
۱۹	پیشینه
۲۲	روش‌شناسی پژوهش
۲۵	تجزیه و تحلیل داده‌ها
۵۰	بحث و نتیجه‌گیری
۵۴	پیشنهاد
۵۶	منابع
۵۹	پیوست
۸۴	پرسش‌نامه

## فهرست جداول

۲۳	جدول ۱: فهرست نشریات زبان‌شناسی نمایه شده در ISC
۲۴	جدول ۲: توزیع فراوانی واژگان به کاررفته در مجلات زبان‌شناسی
۲۷	جدول ۳: توزیع درصد فراوانی واژه‌های زبان‌شناسی در مجلات
۲۸	جدول ۴: میزان استفاده نشریات علمی زبان‌شناسی از واژگان مصوب فرهنگستان
۳۵	جدول ۵: میزان کاربرد واژه‌های لاتین در مجلات
۳۶	جدول ۶: واژه‌های معادل‌سازی نشده در فرهنگستان
۳۷	جدول ۷: واژه‌های ترکیبی موجود در مقالات
۴۶	جدول ۸: میزان آشنایی، کاربرد و موافقت با برخی از معادل‌های مصوب

# **فصل اول**

## **کلیات پژوهش**

## چکیده:

واژه‌گزینی از نشانه‌های مهم ساختاربندهی زبان علم است و در این میان فرهنگستان زبان و ادب فارسی به عنوان رکن مهم اجرایی، واژه‌گزینی را در حوزه‌های مختلف در دستور کار خود قرار داده است. مسئله کاربرد واژه‌های مصوب در نوشته‌های علمی و غیرعلمی، به همان اندازه تولید و تصویب آن‌ها در فرهنگستان حائز اهمیت است چرا که واژگان تا زمانی که در متن قرار نگیرند میزان آشنایی جامعه با واژه و کاربرد پذیری آن از سوی کاربران به حداقل می‌رسد و در ذهن تثبیت نمی‌شود. از زمانی که مسئله استفاده از واژگان مصوب فرهنگستان در زبان علم مورد توجه قرار گرفت پژوهش‌هایی نیز در خصوص میزان کاربرد و استفاده از واژگان در حوزه‌های علمی مختلف توجه پژوهشگران را به خود معطوف ساخت. هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان آشنایی و به کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه زبان شناسی در بین نویسندگان مقالات زبان شناسی است. در این پژوهش به ارزیابی میزان کاربرد معادل‌های فارسی مصوب فرهنگستان در نشریات دارای ضریب تأثیر حوزه زبان شناسی نمایه شده در پایگاه ISC پرداخته شده است. بدین منظور، ۵۰۰ مقاله از ۱۰ مجله علمی دارای ضریب تأثیر از حوزه زبان‌شناسی انتخاب شدند و میزان کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان در نشریات مذکور مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بدست آمده تحقیق نشان می‌دهد نویسندگان مقالات زبان-شناسی با تعداد زیادی از معادل‌های فارسی مصوب فرهنگستان آشنایی دارند و از آنها در مقالات خود استفاده می‌کنند. همچنین فرهنگستان زبان و ادب فارسی تا حدود زیادی توانسته است بر نشریات زبان شناسی تأثیر بگذارد و نویسندگان مقالات این حوزه موضوعی واژگان مصوب را در نوشتارهای علمی خود به کار برده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش، همچنین می‌توان مدعی بود که با افزایش میزان آشنایی، میزان کاربرد و موافقت با واژه‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** واژه‌گزینی، زبان شناسی، نشریات، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مقبولیت

## ۱-۱: مقدمه و معرفی طرح

امروزه به دلیل نفوذ فرهنگ غربی در زمینه‌های مختلف و همچنین توسعه علم و فناوری، جوامع در حال توسعه، از جمله ایران متحمل تأثیرات بسیاری بوده‌اند و به تبع آن، زبان جامعه نیز پذیرای واژه‌های بیگانه بسیاری بوده است.

ورود واژه‌های بیگانه به هر زبان امری اجتناب‌ناپذیر است و همه زبان‌های زنده دنیا، با سایر زبان‌های زنده دادوستد واژگانی دارند. زبانی وجود ندارد که هیچ واژه دخیلی وارد آن نشده باشد؛ مگر اینکه آن زبان، زبانی منزوی در مکانی دورافتاده با تعداد اندکی گویشور باشد. اما با ورود واژه‌های بیگانه به زبان، تیرگی واژگانی بالا رفته و مهمترین کاربرد زبان که برقراری ارتباط میان افراد جامعه است به مرور زمان از بین خواهد رفت. به عبارت دیگر، ورود بی حساب این الفاظ به زبان، آسیب وارد می‌کند و هویت و ماهیت و ساختار آن زبان را در هم می‌شکند. (حداد عادل، ۱۳۹۵: ۱۸) پدید آمدن مفاهیم و ابزارهای گوناگون بر اثر رشد علم و صنعت نیز تولید واژه‌های خاص آن مفاهیم و ابزارها را ایجاب می‌کند. زبان تا آن زمان که زنده و زایا باشد پیوسته واژه‌های نو تولید می‌کند و نیاز جامعه زبانی برطرف می‌شود. یکی از ضرورت‌های هر زبان توانمندسازی خود برای رفع این نیاز است و این امر را متخصصان هر حوزه و مؤسسات علمی بر عهده دارند.

به گواهی اسناد تاریخی، اولین آکادمی و انجمن واژه‌گزینی ایران، یک‌صد سال پیش در عهد مظفری آن هم به شکل رسمی و دولتی، تحت ریاست ندیم السلطان (ندیم باشی)، وزیر انطباعات و دارالتألیف و دارالترجمه، تأسیس شد. اما پس از چندی به دلیل نامأنوس بودن لغات پیشنهادی آکادمی در مقابل لغات و اصطلاحات دخیل اروپایی که از طریق روزنامه «ایران سلطانی» به جامعه عرضه می‌شد، با اقبال روبه‌رو نشد و در اندک زمان از فعالیت واژه‌گزینی بازماند. در طول یکصد سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای واژه‌گزینی یا واژه‌سازی در برابر الفاظ بیگانه در کشور ایران صورت گرفته که هر کدام در دوره خود، گامی به جلو و در جهت علمی‌تر کردن زبان فارسی بوده است (روستایی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۷).

واژه‌گزینی؛ عملی آگاهانه و برنامه‌ریزی شده و ناشی از توسعه علم و تمدن و صنعت است که بر پایه قواعد از پیش وضع شده صورت می‌گیرد در حال حاضر در ایران فرهنگستان زبان و ادب فارسی متولی این امر است (حداد عادل، ۱۳۸۲، ۳۶۷). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی فرهنگستان دوم در دوره انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس شد. این مرکز ناشری دولتی بود که به چاپ کتاب‌هایی که استادان دانشگاه در طی دوره تعطیلی دانشگاه‌ها تألیف و ترجمه می‌کردند می‌پرداخت. اندیشه تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مرکز نشر دانشگاهی به وجود آمد که در نهایت به تصویب اساسنامه و تأسیس آن منتهی گردید (حداد عادل، ۱۳۹۴: ۱۳).

این اساسنامه در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید و نخستین جلسه شورای فرهنگستان با حضور اعضای پیوسته منتخب در شهریورماه ۱۳۶۹ برگزار گردید (حبیبی، ۱۳۸۵: ۳). گروه واژه‌گزینی با رأی هشتمین جلسه شورای فرهنگستان در هشتم مهرماه ۱۳۷۰ کار خود را آغاز کرد. با آنکه این گروه تنها یکی از پانزده گروه پژوهشی این فرهنگستان است عامه مردم فرهنگستان را با واژه‌گزینی می‌شناسند. هشتاد سال از تأسیس اولین فرهنگستان ایران (۱۳۱۴-۱۳۳۲) می‌گذرد. در همه این سال‌ها مردم، عموماً با شنیدن نام فرهنگستان به یاد واژه‌گزینی افتاده‌اند و کار اصلی و وظیفه مهم فرهنگستان را واژه

گزینی دانسته‌اند. واژه‌گزینی به حکم ماهیت خود از جمله اموری است که توجه عوام و خواص را توأمأ جلب می‌کند. (حداد عادل، ۱۳۹۵: ۱۸).

یکی از مسائلی که در حوزه جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرد برنامه‌ریزی زبان<sup>۱</sup> است. برنامه‌ریزی از فعالیت‌هایی است که در دوران معاصر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی فرهنگی رایج شده و در حل بسیاری از معضلات و مسائل کشورهای مختلف نقش مؤثری ایفا کرده است. برنامه‌ریزی زبان از جدیدترین جنبه‌های برنامه‌ریزی است که در دهه‌های اخیر به یکی از مهمترین مباحث در رشته نوپای جامعه‌شناسی زبان تبدیل گردیده است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۰۶). داوری اردکانی (۱۳۸۲: ۱۷) برنامه‌ریزی زبان را برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضعیت مطلوبی از زبان چه از نظر اجتماعی و چه از نظر ساختاری می‌داند. یعنی جهت دادن به سمت وسوی تغییر زبان آن گونه که برنامه‌ریزان مایل‌اند مطالعه برنامه‌ریزی زبان با این نام حدود پنجاه سال بیشتر قدمت ندارد اگرچه فعالیت‌ها پیشینه طولانی‌تری دارند اما اکنون در چارچوب این رشته تازه، بنیادهای نظری و روش‌شناختی محکم‌تری پیدا کرده و شکل علمی‌تری به خود گرفته است. برنامه‌ریزی زبان به هر نوع دستکاری یا دخالت آگاهانه اطلاق می‌شود که از طرف دولت یا سازمانی که کم‌وبیش از حمایت دولت برخوردار است در ساخت و کاربرد زبان در یک جامعه اعمال می‌شود (باطنی، ۱۳۸۱: ۳۲).

با توسعه علوم شاهد بوجود آمدن گونه خاصی از زبان هستیم که آنرا زبان علم می‌نامند. "زبان علم" گونه‌ای از زبان است که نقش اصلی آن برقراری ارتباط میان اهل علم و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است و علاوه بر تعامل با دیگر گونه‌های زبان و بهره‌گیری از واژگان و فرایندهای واژه‌سازی آن‌ها، دارای واژگان ویژه و روش‌های خاص خود در واژه‌گزینی است (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ۱۳۸۸).

واژه‌گزینی در حوزه برنامه‌ریزی زبان که زیرشاخه‌ای از جامعه‌شناسی زبان است یکی از شیوه‌های اصلاح زبان است. اصلاح زبان نیز خود یکی از جنبه‌های برنامه‌ریزی زبان است واژه‌گزینی از یک جهت در ارتباط است با ساخت‌واژه که یکی از حوزه‌های محض زبان‌شناسی است و از یک جهت مرتبط است با جامعه‌شناسی زبان که یکی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی است. اصطلاح‌شناسی که خود حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است از جمله حوزه‌های مؤثر و تعیین‌کننده در زمینه واژه‌گزینی است. این حوزه اگرچه زاده زبان‌شناسی است اما به سبب ارتباط تنگاتنگ با رشته‌های تخصصی مختلف ابداع‌کنندگان آن، آن را شاخه‌ای از زبان‌شناسی تلقی نمی‌کنند. شاید بتوان واژه‌گزینی را نقطه مشترک میان حوزه‌های ساخت-واژه اصطلاح‌شناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی زبان دانست که وجه مشترک همه اینها زبان‌شناسی است (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۳۵) از آنجا که برنامه‌ریزی زبان باید با نیازهای هر کشور به لحاظ زبان‌شناختی و اجتماعی منطبق شود شیوه‌های معادل‌یابی و انتخاب اصطلاح در فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز متناسب با نیازهای جامعه‌شناختی و ساخت‌واژی زبان فارسی است (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

در واقع؛ آن چه مسلم است این که هر پدیده و نوآوری به همراه ورود خود به جامعه جدید نام خود را نیز وارد جامعه پذیرنده می‌کند. بدین ترتیب بعد از گذشت زمان مفاهیم و اصطلاحات گوناگونی در جامعه پذیرنده به چشم می‌خورند که

---

<sup>1</sup> language planning

حاصل قرض‌گیری می‌باشند. این واژه‌های حاصل از قرض‌گیری را وام‌واژه<sup>۲</sup> می‌گویند. کریستال<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) قرض‌گیری را چنین تعریف می‌کند: "معرفی یک واژه یا دیگر عناصر زبانی از یک زبان یا گویش به زبان یا گویش دیگر را قرض‌گیری می‌نامند." برخورد جامعه زبانی پذیرنده درمقابل این عنصر واژگانی جدید متفاوت است. این جامعه ممکن است با استفاده از امکانات زبانی خود برای مفهوم جدید معادلی انتخاب نماید، اما در برخی موارد و به ویژه در خصوص اصطلاحات تخصصی<sup>۴</sup> ممکن است این معادل‌گزینی در مراحل ابتدایی صورت نگیرد و واژه جدید در کنار پدیده وارداتی در بین جامعه زبانی مصطلح و مرسوم گردد. بدین ترتیب پس از گذشت مدت زمانی در بین متخصصان رشته‌های مختلف دسته‌ای از واژه‌های جدید به عنوان واژه‌های تخصصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از جمله این واژه‌های تخصصی می‌توان به اصطلاحات تخصصی رشته‌ی زبان‌شناسی اشاره نمود که ممکن است برای افراد غیر متخصص قابل درک نبوده و در مواردی گنگ و بی‌معنا باشند. امر معادل‌گزینی برای اصطلاحات تخصصی اگرچه توسط نویسندگان و مترجمان صورت می‌گیرد اما مهمترین نهاد متولی آن فرهنگستان می‌باشد. از نظر متولیان امر واژه‌گزینی بی‌توجهی نسبت به ورود بی‌رویه‌ی اصطلاحات علمی بیگانه و عدم به‌کارگیری روش‌های مناسب برای کنترل و جایگزینی آنها باعث آسیب‌پذیری پیکره زبان فارسی و ناتوانی آن در بیان مطالب علمی مربوط به حوزه‌های مختلف علمی شود. در واقع علم زبان خاص خود را دارد. بنابراین زبان علم باید زایا و با این پیشرفت همگام باشد (منصوری، ۱۳۷۴، ۵۱) عدم وجود یک زبان یکدست در سطح علوم می‌تواند زیان‌های بسیاری برای توسعه آن علوم در جامعه داشته باشد. بنابر نظر منصوری (۱۳۷۴) بی‌توجهی به زبان علم می‌تواند تاثیرات قابل توجهی چون بوجود آمدن پندار نارسایی زبان فارسی در بیان مطالب علمی و القاء پیچیدگی مفراط مفاهیم علمی و دشوار بودن بیان آنها در نزد خواننده یا شنونده متون علمی شود. به زعم وی مشکل زبان و بیان را به حساب پیچیدگی علم گذاشتن یکی از عوامل عقب‌ماندگی علمی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی می‌باشد. انتقال دانش و فناوری بدون آماده‌سازی زبان سبب ایجاد مشکل می‌شود و در حقیقت یکی از دلایل پرداختن به زبان فارسی به عنوان زبان علمی، نیاز به انتقال دانش و فناوری جدید به کشور است. از نظر وی بی‌توجهی به زبان علمی می‌تواند سبب بوجود آمدن یک زبان مصنوعی نازا شود که خود به مانند مانعی در مسیر پیشرفت فناوری عمل خواهد کرد. سمیعی در مقدمه‌ای با عنوان ضرورت تقویت زبان علمی در فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی تابستان ۱۳۷۴ چنین بیان می‌دارد که مشکل واقعی زبان فارسی نه در سطح زبان عامه که در سطح علمی است و برای تقویت زبان علمی، پدیدآوردن بینش و رویکرد درست در میان دانشوران مسئله‌ای اساسی به شمار می‌رود. او معتقد است که بدون زبان علمی، اصولاً ما سهم ملی در دانش جهانی نیز نخواهیم داشت.

با توجه به چنین احساس نیازی دست‌اندرکاران زبان فارسی وارد عمل شده و سعی کرده‌اند تا آنجا که ظرفیت‌های زبان اجازه می‌دهد به امر معادل‌یابی اقدام نمایند. اما معادل‌های مصوب فرهنگستان هنگامی که وارد جامعه زبانی می‌شوند ممکن است با برخوردها و عکس‌العمل‌های گوناگون مواجه شوند. برخی از افراد با آگاهی از چنین ضرورتی ممکن است

2. Loan words

3 Crystal· D

4 Terminology

معادل‌ها را پذیرفته و آنها را مورد استفاده قراردهند اما عده‌ای نیز با واژه‌گزینی مخالف می‌باشند. به نظر می‌رسد که در کنار تمام این نظرات مخالف و موافق اگر واژه‌گزینی به گونه‌ای صورت بگیرد که منطبق با ساخت آوایی زبان بوده و عادات زبانی جامعه زبانی را بر هم نزند کم‌کم جای خود را در بین افراد جامعه باز کرده و از سوی آنها پذیرفته می‌شود.

در این میان اهل علم نیز با به‌کاربردن زبان علمی بومی خود و بهره‌گیری از واژگان غنی فارسی؛ می‌توانند در اشاعه و ترویج واژگان مصوب فرهنگستان نقش بسزایی داشته باشند. در واقع انگیزه اصلی این پژوهش از آنجا پیدا شد که به نظر می‌رسد نمی‌توان علم را از زبان علم که در واقع در دامن آن رشد و نمو می‌کنند و ابزار بیان آن است جدا کرد. به این اعتبار که آنچه یک حوزه علمی را شکل می‌دهد مفاهیم و اصطلاحاتی هستند که بر این مفاهیم اطلاق می‌شوند و هرگونه انتقال اطلاعات نیز به وسیله همین زبان صورت می‌پذیرد. علاوه بر این نقش ابزاری زبان علم تأثیر زبان بر شکوفایی فکری فردی و اجتماعی تقریباً امری پذیرفته شده است. پیشرفت علم و همزمان با آن توسعه اصطلاحات علمی، باعث ایجاد واژگانی شهودی در زبان علم شده است که مشخصه آن تغییر دائمی است. قواعد تجویزی این فرآیند تغییر را به نظم در می‌آورند و ارتباط متخصصان را تسهیل می‌نماید. بسیاری از لغتنامه‌ها غیر قابل اعتمادند و نیازهای علمی را سطح بالا را برآورد نمی‌کنند، چراکه بر مبنای روشهای علمی (اصول اصطلاح‌شناختی) تهیه نشده‌اند. برقراری ارتباط بدون ابهام به مفهوم واقعی کلمه، نیازمند آن است که برای یک مفهوم - عنصر تفکر فقط یک اصطلاح وجود داشته باشد و بالعکس. هدف از استاندارد کردن اصطلاح‌شناسی یکپارچه سازی مفاهیم و نظام‌های مفاهیم برای تعریف مفاهیم، کاهش همنامی، حذف هم‌معنایی و در صورت نیاز خلق اصطلاحات جدید همگام با اصول اصطلاح‌شناسی است (فلبر ۵، ۱۹۸۴: ۱۳). یکی از فرآیندهای اصلی مؤثر در بالا بردن پایگاه یک زبان واژه‌گزینی و معیارسازی است که می‌توان به عنوان ابزاری مؤثر جهت بهبود و نظم بخشی به تعاریف و نظام مفاهیم و نیز اصلاح خلاهای واژگانی زبان فارسی کمک گرفت. واژه‌گزینی و معیارسازی اصطلاحات و واژگان در حوزه‌های مختلف علمی و تخصصی امری ضروری می‌باشد تا بتوان از این زبان در برابر سیل بنیان‌کن لغات بیگانه، سد و سنگری ساخت.

در این راستا؛ این پژوهش بر آن است معادل‌های مصوب فرهنگستان و میزان کاربرد آنها را در نشریات علمی حوزه زبان‌شناسی نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام پردازد تا ببیند که این نشریات تا چه اندازه به رعایت و استفاده از واژه‌های مصوب هزارواژه‌زبان‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی توجه دارند و حساسیت نویسندگان مقالات در استفاده از این واژگان را در نوشتارهای علمی خود بسنجد.

---

<sup>5</sup> Felber



## ۱-۲: بیان مسئله

زبان ملی در تحکیم و تثبیت هویت ملی سهم مهمی دارد؛ در دنیای رو به توسعه امروز، اگر زبان ملی یک کشور زبان علم و فن نشود و تنها در دایره محاورات عادی توده مردم و یا در حوزه ادبیات قدیم آن کشور محدود بماند به تدریج به حاشیه رانده می‌شود و منزوی می‌گردد و بر اثر آمیختگی با لغات و اصطلاحات بیگانه از زیبایی و آیین‌مندی می‌افتد و بیمار می‌شود. بنابراین ضرورت نگهداری زبان فارسی و پالایش آن از عناصر غیر ضروری و وظیفه هر ایرانی فرهیخته می‌باشد. در این میان یکی از دغدغه‌های اساسی متولیان زبان فارسی معادل‌سازی برای واژه‌های بیگانه است. واژه‌های بیگانه راه‌یافته به زبان فارسی به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند و هر کدام مخاطبان متفاوتی دارند. آنچه سازنده و تقویت‌کننده زبان علم است همان عبارت‌هایی است که بیان‌کننده مفاهیم علمی‌اند و اصطلاح‌های علم موردنظر را می‌سازند. اما از آنجا که در بدو امر، این عبارت‌ها همگی فارسی نیستند، باید در هر رشته و شاخه به معادل‌یابی برای آنها پرداخت. این امر در قالب مقوله واژه‌گزینی قرار می‌گیرد که گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بهره‌گیری از علم اصطلاح‌شناسی و اصول و ضوابط واژه‌سازی و واژه‌گزینی در تلاش است تا با شناسایی خلأهای واژگانی زبان فارسی و با استفاده از گنجینه واژگانی غنی موجود، معادل‌های مناسبی برای آنها پیشنهاد کند. هدف از واژه‌گزینی؛ پیشنهاد معادلی مناسب برای واژه بیگانه است، معادلی که مورد تأیید و استفاده جامعه کاربر قرار بگیرد. فرایند واژه‌گزینی، تولید، تبلیغ، ترویج و اشاعه واژه‌های جدید فرایندی زمانبر و نیازمند شناخت کامل جامعه است. ضروری است ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی جامعه، مشاهده و بررسی شود و پس از برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها، بازخوردهای لازم نیز از جامعه کاربران زبان گرفته‌شود. در این راستا، کارگروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان در دوران فعالیت خود، بیش از هزاران واژه را در حوزه‌های مختلف علمی بررسی کرده و به تصویب شورای واژه‌گزینی فرهنگستان رسانده‌اند. با رسیدن واژه‌های مصوب هر حوزه به هزار عدد، فرهنگستان به انتشار هزارواژه آن حوزه اقدام می‌کند. در حوزه زبان‌شناسی نیز؛ با توجه به وجود انبوه واژه‌های انگلیسی انتشار فرهنگ هزارواژه زبان‌شناسی توسط فرهنگستان امری درخور توجه است. اما از آنجا که فرهنگستان سازمانی دولتی است، اما آنچنان که باید و شاید مرتبط با دیگر سازمان‌های دولتی نیست. بازوهای اجرایی همانند آموزش و پرورش و صدا و سیما، همچنین مجلات پژوهشی می‌توانند نقش مهم و کارآمدی در نهادینه کردن واژه‌های مصوب فرهنگستان در بین اقشار مختلف جامعه داشته باشند و به گسترش و نشر برنامه‌های زبانی فرهنگستان مبادرت ورزند.

در واقع ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان این سازمان‌ها و فرهنگستان مستلزم تبیین قانونی و اداری این ارتباط است (داوری اردکانی، ۳۴ - ۱۳۸۲:۳۵). همانطور که گفته شد نشریات پژوهشی یکی از بازوهای اجرایی است که در عملیاتی کردن به کارگیری واژه‌ها نقش بسزایی دارند. در این میان پیروی نشریات پژوهشی از واژه‌های مصوب فرهنگستان به یکسان‌سازی اصطلاحات منجر خواهد شد. حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی در تولیدات علمی خود اساساً به استفاده از مصوبات فرهنگستان که نتیجه هزاران ساعت مطالعه فکری است توجهی دارند و واژه‌های مصوب این نهاد را در مقالات علمی خود به کار می‌گیرند؟ میزان پذیرفتگی و کاربرد معادل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این حوزه چه اندازه بوده است؟

### ۳-۱: ضرورت انجام طرح

زبان ایستا نیست. شواهد متعددی وجود دارد که شخص را به این نتیجه می‌رساند که یک زبان تغییر کرده است. طبیعت این شواهد ممکن است: الف) نگارشی ب) ادبی ج). تجویدی (درست گویی) ه). تطبیقی مقایسه‌ای باشد (گوبورتر، ۱۹۷۵: ۳). پیشرفت تکنولوژی در جهان علت اصلی ورود واژه‌های بیگانه و تحول زبان است. ورود بی‌رویه واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه می‌تواند در بلندمدت مانع رشد و شکوفایی یک زبان و بی‌هویتی آن شود هرچند وام‌گیری در حد اعتدال در هر زبانی نه تنها عیب نیست بلکه موجب غنای آن زبان می‌گردد و دامنه واژگانی آن را گسترش می‌دهد. گاهی اوقات در ترجمه کتاب‌های علمی به خاطر وجود تعداد زیاد واژه‌های فنی، مترجمان از یافتن معادل فارسی برای همه آنها عاجز می‌شوند و به علت نداشتن فرصت برای یافتن معادل فارسی مناسب الفاظ اصلی را به همان صورت وارد زبان فارسی می‌کنند. چنان که می‌دانیم هر معنایی نیاز به لفظی دارد. بدیهی است که چون انتخاب لفظ برای معنا اختیاری است هر لفظی که از آغاز برای مفهوم جدیدی انتخاب شود، چه ارتباطی با واقعیت معنا داشته باشد و چه نداشته باشد جای خود را در زبان باز می‌کند و گویشوران آن را می‌پذیرند. البته معادل‌گزینی باید آنی صورت بگیرد و گرنه وقتی لفظی بیگانه همراه مصداق آن رواج پیدا کند بعداً حذف آن مشکل خواهد بود زیرا بر طبق اصل کم‌کوشی همین که تصویر لفظی چیزی در ذهن جا گرفت، جانشین کردن آن با تصویر دیگر نیاز به کوشش جدیدی دارد مگر آنکه عناصر تصویر در ذهن جایی داشته باشد؛ مانند لفظ «راه آهن» که قبلاً با نام فرانسوی «شمن دوفر» به کار می‌رفت اما فرهنگستان اول از روی ترجمه لفظ به لفظ نام «راه آهن» را برای آن انتخاب کرد. از آنجا که تصویر «راه» و «آهن» از پیش در ذهن بوده، پذیرش آن از سوی ذهن نیاز به کوشش تازه‌ای نداشته است. به ویژه که همه مردم از این وسیله حمل و نقل استفاده نمی‌کرده‌اند و از لفظ فرانسوی آن تصویر ذهنی نداشته‌اند.

واژه‌سازی برای مفاهیم جدید علمی برای برخی زبان‌ها به علت ویژگی‌های ذاتی آنها اگر غیر ممکن نباشد. کار بسیار سختی است. شمار مفاهیم جدید علمی، در هر یک از شاخه‌های دانش بشری بسیار زیاد است. پیدا کردن واژه‌های جدید برای مفاهیم جدید کاری نیست که بدون داشتن یک روش علمی مطمئن و مناسب پیش رود.

زبان فارسی یکی از زبانهای هندواروپایی است. در این زبان‌ها می‌توان تعداد بسیار زیادی واژه علمی و جدید را به آسانی ساخت این زبان‌ها دارای ریشه پسوند و پیشوند هستند با افزودن پیشوند یا پسوند به ریشه یا با ترکیب ریشه‌ها با هم می‌توان تعداد بسیار زیادی واژه ساخت (حسابی: ۱۳۵۰: ۵۱).

در این میان اگر افراد تاثیرگذار در جریان علم و دانش از جمله مدرسان محققان، نویسندگان و مترجمان صاحب صلاحیت در نوشتارهای خود از واژگان مصوب استفاده نمایند می‌توان بخش زنگار گرفته ساخت‌واژه را از زنگار زدگی بیرون آوریم و در سطوح مختلف آموزش، آموزش دهیم. در همین راستا نشریات پژوهشی از آنجا که مهمترین منابع انتقال و آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی سایر پژوهشگران به شمار می‌روند و اغلب پژوهشگران و دانشجویان با مطالعه مقالات این مجلات از واژگان تخصصی در حوزه خود آگاه شده و آنها را در نوشته‌های خود به کار می‌برند یکی از راه‌های مهم آموزش و

6 ۱ D.I. Goyvaerts

نهادینه سازی واژه های تخصصی به شمار می‌روند. در این میان فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه‌ها و اصطلاح‌های علمی و فنی معادلاتی را وضع و آن‌ها را در کتاب هزار واژه منتشر نموده است اما بیشتر پژوهشگران به واژگان مصوب در کتاب هزارواژه آگاه نیستند و انتخاب و گزینش واژگان در مجلات علمی به اختیار و سلیقه نویسنده واگذار شده است و در این میان برخی نویسندگان واژگان مصوب را کنار گذاشته و از معادل لاتین آن استفاده می‌کنند. این در حالیست که کتاب هزار واژه که حاصل ساعت‌ها تلاش فکری نویسندگان آن است با هدف رفع این ایراد و خلأ؛ به انتشار واژگان تخصصی هر حوزه مبادرت ورزیده است اما الزام آور نبودن این دستورها باعث شده است که پذیرش و نهادینه شدن این سبک، فرایندی بسیار بلندمدت یا شاید غیر ممکن گردد بنابراین الزام پژوهشگران در به کارگیری اصطلاحات تخصصی واحد، از تششخت و پراکندگی واژگان متفاوت جلوگیری و در نهایت منجر به یکدست سازی اصطلاحات تخصصی خواهد شد که این امر به نوبه خود در بازیابی اطلاعات کمک شایانی خواهد نمود.

لذا انتظار می‌رود موسسه استنادی علوم و پایش علم و فناوری به عنوان نهاد متولی نمایه سازی مجلات علمی در بخش ارزیابی نشریات با استفاده از نتایج این پژوهش ضمن آگاهی از میزان پذیرش و مقبولیت دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان در بین دو گروه یعنی (نویسندگان، پژوهشگران و مجلات علمی نمایه شده در ISC)، نسبت به اولویت بخشی و سیاستگذاری جهت اعمال به کارگیری واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی توسط مجلات علمی گام بردارد. در این میان نشریات حوزه زبان شناسی بخشی از نشریات نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام را تشکیل می‌دهند به موجب اهمیت و حساسیت موضوع، واژه‌های مصوب فرهنگستان در نشریات برتر این حوزه که دارای ضریب تاثیر بوده‌اند بررسی شده است و از آنجا که با وجود انجام بررسی‌هایی چند بر روی واژه‌های مصوب فرهنگستان، تا به حال هیچ پژوهشی در رابطه با تعامل دو نهاد فرهنگستان و نشریات نمایه شده حوزه زبان شناسی در موسسه استنادی علوم و پایش علم و فناوری صورت نگرفته است، اهمیت این تحقیق بارزتر می‌شود، تا شاید بتوان با حصول یافته‌هایی در این راستا، ضرورت تعامل بیش از پیش این دو نهاد را روشن‌تر کرد. در راستای مطالب ذکر شده، نقش فرهنگستان در قالب یک نهاد برنامه‌ریز و نشریات علمی نمایه شده در موسسه استنادی علوم و پایش علم و فناوری به عنوان نهادی اجرایی با قابلیت بسیار زیاد در انتقال برنامه‌ها و تعامل دوسویه و انتشار زبان علم، کانون توجه این پژوهش است. لذا با توجه به اینکه نشریات علمی به دلیل بعد گسترده خود در جامعه علمی، تاثیر بسزایی در ترویج واژه‌های علمی مصوب در بین گویشوران جامعه زبانی دارد لذا ضرورت تحقیقی در این زمینه احساس گردید تا شاید بتوان میزان تعامل دو نهاد فرهنگستان و نشریات علمی را در این راستا تعیین نمود.

#### ۴-۱: هدف پژوهش

زبان علم در هر جامعه‌ای تحت تأثیر عوامل اجتماعی و شناختی آن جامعه شکل می‌گیرد و در همان چارچوب نیز بسط و گسترش می‌یابد. زبان در سرنوشت ملت‌ها تأثیر گذار است و باهم شکوفا می‌شوند؛ بنابراین اگر اصولی بیندیشیم سیاست-گذاری برای زبان باید در بدنه سیاست‌گذاری‌های کشور قرار دارد. مهمترین هدفی که واژه‌گزینی و معیارسازی دنبال می‌کنند حمایت از توافقی عام در نحوه ارائه دانش و تخصص در زبان و علم است. تعدد گفتمان‌های تولیدی توسط متخصصان نامطمئن که بر محتوای اصطلاحات وقوف کامل ندارند اثراتی نامطلوب بر مخاطبان داشته است. در این راستا هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان پذیرفتگی و کاربرد معادل‌های مصوب کتاب هزارواژه زبان‌شناسی از سوی نویسندگان نشریات علمی نمایه شده در ISC است تا عملکرد گروه واژه‌گزینی فرهنگستان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

#### ۵-۱: سئوالات پژوهش

- ۱- کدام یک از واژه‌های مصوب در مجلات زبان‌شناسی از بسامد بیشتری برخوردارند و به کدام حوزه تعلق دارد؟
- ۲- چه میزان از واژه‌های مصوب فرهنگستان در مجلات علمی زبان‌شناسی نمایه شده در ISC استفاده شده است؟
- ۳- میزان کاربرد واژه‌های لاتین در مجلات چه اندازه بوده است؟
- ۴- میزان واژه‌های معادل‌سازی نشده در مجلات مورد بررسی زبان‌شناسی، تا چه اندازه است؟
- ۵- به منظور استفاده نویسندگان مقالات نشریات زبان‌شناسی از واژگان مصوب فرهنگستان، چه راهکارهای تشویقی را می‌توان ارائه نمود؟
- ۶- میزان آشنایی، کاربرد و موافقت با برخی از معادل‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زبان‌شناسی در بین جامعه دانشگاهی چگونه است؟

## **فصل دوم**

### **مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

## مبانی نظری

در این بخش، به معرفی برخی از واژه‌های کلیدی و خاص پژوهش حاضر خواهیم پرداخت. این واژه‌ها در این پژوهش به دفعات به کار رفته‌اند و از این رو تعریف مختصری از آنها در آغاز کار در درک هرچه بهتر مطلب تأثیر گذار خواهد بود

### ۱- بسامد

بسامد یکی از واژه‌های علم آمار است و با سه لفظ «فرکانس»، «فراوانی» و «تواتر» معادل و هم معنی است. این اصطلاح به عنوان معیار، سنجش در شاخه‌ها و رویکردهای مختلف زبان شناسی همچون دیگر علوم بکار گرفته شده و بسته به حوزه بکار رفته دسته بندی‌ها و تعاریفی متفاوت از آن ارائه شده است. به عنوان مثال بسامد معیار سنجش زبانی در ساخت واژه معیار سنجش نشان داری عناصر زبانی معنی شناسی و رده شناسی است. همچنین در مطالعات تاریخی نیز نقشی قابل توجهی دارد (ساغروانیان، ۱۳۶۹). به هر حال از میان انواع بسامد در این پژوهش نوعی از بسامد مورد نظر نگارنده است که به آن بسامد موردی یا بسامد متنی گفته می‌شود که در واقع به تعداد دفعات وقوع یک عنصر زبانی در یک متن اشاره دارد و بررسی آن مستلزم محاسبات آماری است. واژگان پرسامد واژگانی هستند که رخداد آنها در متون نوشتاری یا گفتاری بیشتر از سایر واژگان است. پژوهش حاضر با تکیه بر پیکره مورد نظر نگارنده که مقالات علمی - پژوهشی از رشته زبان شناسی در ده مجله معتبر آی اس سی است تشکیل شده است.

### ۲- اصطلاح

اصطلاح به هر تعداد قراردادی که به عنوان نمایانگر مفهومی در یک حوزه موضوعی تعریف شده باشد، اطلاق می‌گردد. واژه «اصطلاح شناسی» به سه مفهوم اطلاق می‌شود: الف. علم اصطلاح شناسی حوزه میان رشته‌ای و فرارشته‌ای علم که با مفاهیم و بازنمودهای آن (اصطلاحات، نمادها) سروکار دارد. ب. مجموعه‌ای از اصطلاحات که نمایانگر نظامی از مفاهیم یک حوزه منفرد موضوعی است؛ ج. اثری منتشر شده که در آن مفاهیم یک حوزه موضوعی به وسیله اصطلاحات ارائه شده است.

در شباهت و تفاوت واژه و اصطلاح به ذکر چند نکته بسنده می‌شود: واژه و اصطلاح هر دو نشانه‌ی زبانی هستند، یعنی صورت آوایی ذهنی و هم مفهوم را دارا هستند. هر دو بخشی از واژگان زبان‌اند، بنابراین باتوجه به این اصل تابع قواعد کلی نظام زبان هستند و قاعده‌های صرف زبان ناظر بر ساخت آنهاست. اصطلاح با یک مفهوم یا واحد دانش در ارتباط است، پرهیز از ابهام و برقراری ارتباط مؤثر این اصل را ایجاد می‌کند و از این رهگذر است که به عضوی از نظام مفهومی یک حوزه تخصصی می‌پیوندد، نظامی که از حیث وجود روابط معین میان عناصر آن منسجم و منظم‌تر از نظام معنایی واژگان است. اصطلاح در یک تعریف مشخص ظهور می‌یابد و از واژه مستقل می‌شود، یعنی فرد یا جمعی از متخصصان اصطلاح را تعریف میکنند در صورتی که واژه معنا میدهد. اصطلاح با بازنمود و از طریق عدد و حروف یا ترکیبی از این‌ها نمایان می‌شود و با صورت که نمایانگر واژه است متفاوت است. گرایش در سطح اصطلاح به تک معنایی و هم‌معناگریزی و در سطح واژه‌ها به هم‌معناپذیری و چندمعنایی است. از نظر موقعیت کاربردی، اصطلاح توسط کاربران متخصص یا نیمه

متخصص در محیط های ارتباطی ساختمان و واژه‌ها توسط کاربران عمومی و در محیط های ارتباطی غیرساختمند مثل مکالمه‌های روزمره به کار می‌رود (رضوی، ۱۳۹۵، ۴۴).

### ۳- قرض‌گیری

از نظر فالک<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) همه زبان‌ها در طی زمان تغییر می‌کنند. این تغییرات چنان به کندی صورت می‌گیرد که بسیاری از اهالی زبان متوجه آن نمی‌شوند. این تغییرات در تمام جنبه‌های زبان از جمله تلفظ، نحو و واژگان صورت می‌گیرد. از بین این سه نوع تغییر، تغییرات مربوط به واژگان از دیگر تغییرات مشهودتر بوده و هر روز شاهد آن هستیم. از نظر فالک یکی از مهمترین تغییرات زبانی مربوط به واژگان قرض‌گیری است. قرض‌گیری واژگانی به معنای افزودن یک واژه جدید از یک زبان دیگر است.

### ۴- زبان علم

زبان علم؛ گونه‌ای از زبان است که نقش اصلی آن برقراری ارتباط میان اهل علم و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است و علاوه بر تعامل با دیگر گونه‌های زبان و بهره‌گیری از واژگان و فرآیندهای واژه‌سازی آنها، دارای واژگان ویژه و روش‌های خاص خود در واژه‌گزینی است. اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ۱۳۸۸، ۷-۸).

برخی از مصادیق زبان علم عبارتند از: کتب علمی کودکان و نوجوانان، کتاب‌های درسی از دبستان تا پایان دبیرستان، کتب دانشگاهی، مقالات، کتب و سخنرانی‌های علمی

زبان علم هر کشور، هرچند به طور کلی عنوان زبان تخصصی دارد، به هر حال به دو بخش « زبان کاملاً تخصصی و زبان عمومی» تقسیم می‌شود. زبان عموم هم هویت‌بخش زبان و هم مقدم بر زبان کاملاً تخصصی است و در فهمیدن و فهماندن و درک مطالب زبان علمی نقشی اساسی دارد؛ اما آنچه سازنده و تقویت‌کننده زبان است همان تک‌واژه‌ها و یا ترکیباتی هستند که بیان‌کننده مفاهیم علمی‌اند و اصطلاح‌های علم موردنظر را می‌سازند. از آنجا که این اصطلاح‌ها باید فارسی باشند و در آغاز کار همگی فارسی نیستند، باید به معادل‌یابی برای آن‌ها در هر رشته و شاخه پرداخت. این امر در مقوله فرآیند واژه‌گزینی قرار می‌گیرد. لزوم و ضرورت واژه‌گزینی و مقدم بر آن تدوین پیکرهای از اصطلاح‌ها با توجه به این بحث روشن می‌شود؛ بنابراین به منظور تثبیت زبان فارسی به عنوان زبان علم، پیش از آنکه سیل اصطلاح‌های بیگانه زبان علم را از حالت فارسی بودن خارج کند، باید اصطلاح‌ها را به سبک و سیاق فارسی درآورد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۷-۸)

---

<sup>7</sup> Falk

## ۵- فرهنگستان زبان و ادب فارسی

زبان فارسی از مهمترین ارکان هویت فرهنگی ملت ایران و بنا بر اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان رسمی و مشترک ملت ایران است. به منظور حفظ سلامت و تقویت و گسترش این زبان و به‌روزرسانی آن برای برآوردن نیازهای روزافزون فرهنگی و علمی و ایجاد هماهنگی در فعالیتهای فرهنگی و پژوهشی در حوزهی زبان و ادب فارسی و سازمان دادن به تبادل تجربه در زمینهی پژوهشها و مطالعهها در این حوزه و نیز ایجاد مرجعی برخوردار از اعتبار جهانی در ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۸ اساسنامهی فرهنگستان زبان و ادب فارسی را به تصویب رساند.

### ۵-۱- اهداف و وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی

اهداف و وظایف فرهنگستان در ماده های ۱ و ۲ اساسنامه ی آن به شرح زیر بیان شده است (حداد عادل، ۱۳۷۵: ۲).

#### اهداف

- ۱- حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛
- ۲- پروراندن زبان مهدب و رسا برای بیان اندیشههای علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف-تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده؛
- ۳- رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه قلمرو آن در داخل و خارج از کشور؛
- ۴- ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن.

#### وظایف

- ۱- سازمان دادن فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی؛
- ۲- وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی از این قرار است: <http://www.persianacademy.ir>
- ۳- سازمان دادن فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی؛
- ۴- تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان از راه تعاطی تجارب؛
- ۵- نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی و تعیین معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیهی زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاح‌های جدید؛
- ۶- کمک به معرفی و نشر میراث زبانی و ادبی فارسی به‌صورت اصلی و معتبر؛
- ۷- اهتمام در حفظ فرهنگ‌های محلی و مردمی و گردآوری و ضبط و نشر امثال و حکم و کلیه اعلام و اصطلاح‌های فارسی در همه زمینه‌ها و بهره‌برداری از آنها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی؛



- ۸- سازمان دادن و تبادل تجربه ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزه ی زبان و ادب فارسی و تأمین موجبات بهره برداری صحیح از این تجربه‌ها؛
- ۹- بهره برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به منظور تقویت و تجهیز این زبان و غنی ساختن و گستردن دامنه ی کاربرد آن؛
- ۱۰- معرفی محققان و ادیبان و خدمتگزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت های علمی و فرهنگی آنان و فراهم آوردن موجبات تقدیر از خدمتشان؛
- ۱۱- بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی
- ۱۲- توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شوند و ابلاغ و توصیه کاربرد آنها به مؤسسات علمی و فرهنگی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی.

## ۶-۲- هزارواژه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی

هزارواژه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی نام عمومی واژه‌نامه‌های تخصصی دوزبانه فارسی انگلیسی است که از سال ۱۳۹۰ به بعد، از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده‌است. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی، که به یافتن و ساختن ده‌ها هزار واژه فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده‌است، گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی را قادر ساخته تا دفترهایی که هرکدام مشتمل بر بیش از یک‌هزار واژه مصوب این نهاد هستند، در بعضی از رشته‌های علمی انتشار دهد. همه اصطلاحاتی که در هر دفتر از هزارواژه‌ها آمده، از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استخراج شده‌است. انتشار این دفترها دسترسی استادان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان هر رشته را به معادل‌های فارسی و لغات و اصطلاحات بیگانه همان رشته آسان‌تر سازد و الگویی به دست آنان دهد تا خود نیز به همین سبک و سیاق واژه‌گزینی کنند (فرهنگ واژه‌های مصوب، ۱۴۰۰، ج ۱۴، ص ۴۵).

**واژه:** لفظی که از یک یا چند جزء معنادار ساخته شده و از لحاظ دستوری به یکی از مقوله‌های اسم، ضمیر، صفت، قید، فعل، عدد، حرف اضافه، حرف ربط یا صوت تعلق دارد. چنین لفظی از نظر ساختمان ممکن است بسیط یا مشتق یا مرکب یا مشتق مرکب باشد (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۹).

## ۷- واژه‌های تخصصی

واژه‌های تخصصی به اصطلاحات و واژه‌هایی گفته می‌شود که به مفاهیم یک حوزه از دانش بشری اشاره دارد. درواقع، واژه تخصصی یا اصطلاح لفظی است که در یکی از رشته‌های علمی، فنی، حرفه‌ای یا هنری دارای تعریفی مشخص است (همان). در پژوهش حاضر، هر مدخل از فرهنگ هزارواژه زبانشناسی فارغ از ساختار و معنا یک واژه تخصصی در نظر گرفته می‌شود.

## ۸- واژه‌گزینی

واژه‌گزینی فرآیندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه‌ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود. (دفترچه اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان، ۱۳۸۸: ۹)

زبان تا آن زمان که زنده، زایا و در پی برآوردن نیازهای جامعه زبانی خود باشد، در حال تولید واژه‌های نو است. واژه‌گزینی به دو روش مردمی و رسمی صورت می‌گیرد. واژه‌گزینی مردمی، فرآیندی طبیعی و عمومی و نتیجه استعداد آدمی است که سبب پیدایش زبان بوده‌است؛ اما واژه‌گزینی رسمی ناشی از توسعه علم و تمدن و صنعت و عملی است آگاهانه و برنامه‌ریزی شده که فرد یا مؤسسه‌ای بر پایه‌ی قواعد از پیش وضع شده به ایجاد و گسترش زبان علم می‌پردازد. واژه‌گزینی رسمی همان کاری است که مؤسسات واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی ملی و بین‌المللی بر عهده دارند و در ایران ده‌ها سال است که فرهنگستان گاه بدان دست یازیده و گاه از آن دست کشیده است (حداد عادل، ۱۳۸۲: ۳۶۷).

## ۹- واژه مصوب

واژه مصوب واژه‌ای است که در یک حوزه موضوعی معین کاربرد دارد، در یکی از گروه‌های تخصصی بررسی شده و در شورای فرهنگستان برای یک دوره سه‌ساله تصویب و در فرهنگ واژه‌ها چاپ و به اطلاع عموم رسیده‌است. مصوبات پس از یک دوره سه‌ساله و دریافت و بررسی همه نظرها و پیشنهادهای صاحب‌نظران آن حوزه به تصویب نهایی خواهند رسید (منصوری، ۱۳۹۰، ۱۴۲-۱۴۱).

## ۱۰- اصول و ضوابط واژه‌گزینی در فرهنگستان

یکی از وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه‌گزینی است. شورای فرهنگستان بنا به رسالتی که برعهده دارد از همان آغاز کار، برای وضع و تصویب واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه اصول و ضوابطی را راهنما و میزان کار خود قرار داده‌است. تنظیم و تصویب این اصول و ضوابط مدتها به طول انجامید. با گذشت یک دهه و جمع‌بندی بحث‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده، ضرورت بازنگری در این راهنما بر شورای فرهنگستان آشکار شد و اصول و ضوابط جدید به تصویب رسید و بعدها به صورت دفترچه‌ای در اختیار واژه‌گزینان و علاقه‌مندان قرار گرفت. (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ویرایش سوم، ۱۳۸۸، ۱۸)

## ۱۱- وظایف شورای واژه‌گزینی

- ۱- تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان از راه تعامل تجارب
- ۲- نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی

- ۳- تعیین معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه ی زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاحات جدید
- ۴- کمک به معرفی و نشر میراث زبانی و ادبی فارسی به صورت اصیل و معتبر
- ۵- اهتمام در حفظ فرهنگ‌های محلی و مردمی و جمع‌آوری و ضبط و نشر امثال و حکم و کلیه اعلام و اصطلاحات فارسی در همه زمینه‌ها و بهره برداری از آنها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی
- ۶- سازمان دادن تبادل تجربه‌ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی و تأمین موجبات بهره‌برداری صحیح از این تجربه‌ها
- ۷- بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران) به منظور تقویت و تجهیز این زبان و غنی ساختن و گسترده کردن دامنه کار کرد آن
- ۸- معرفی محققان و ادبا و خدمت‌گزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت علمی و فرهنگی آنان و فراهم‌آوردن موجبات تقدیر از خدمتشان
- ۹- بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی که برای تهذیب و اصلاح یا توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شود و ابلاغ و توصیه کاربرد آنها به موسسات علمی و فرهنگی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی (اردکانی و احمدی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

## ۱۱-۲ مراحل واژه‌گزینی

واژه‌گزینی در فرهنگستان در طی چهارده مرحله صورت می‌گیرد.

- **مرحله اول**  
در این مرحله گروه‌های تخصصی تشکیل شده و واژه بر حسب نوع رشته، از منابعی همچون واژه‌نامه‌ها و کتاب‌های درسی و نشریات تخصصی استخراج و دسته‌بندی می‌شوند. هر واژه کاربرگه دارد. در این کاربرگه‌ها واژه بیگانه و معادل‌های آن در زبان بیگانه، اطلاعات ریشه‌شناختی و مترادف‌ها و خوشه‌واژه‌های آن و واژه‌های مرتبط مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ مقوله دستوری واژه؛ تعریف آن در فرهنگ‌های معتبر یا پایگاه‌های داده‌ها در اینترنت استخراج می‌شود و در نهایت تعریف مورد قبول اعضا در کاربرگه درج می‌گردد.
- **مرحله دوم**  
واژه‌ها در شوراهای هماهنگی مطرح شده و پس از اظهارنظر واژه‌ها برای بررسی مجدد به گروه ارسال می‌شود.
- **مرحله سوم**  
اعضای گروه مجدداً واژه‌ها را بررسی می‌کنند و تا حد امکان با نظر شورای هماهنگی تطبیق می‌دهند. در صورت عدم توافق آن دسته از واژه‌ها موقتاً خارج شده تا بررسی‌های دقیق‌تر در مورد آنها انجام شود. سپس واژه‌ها به هیئت فنی ارسال می‌شود.

#### - مرحله چهارم

هیئت فنی کاربرگه‌ها را به لحاظ ساختاری و زبانی مطالعه می‌کند. چنانچه در معادل پیشنهادی اشکال دستوری وجود داشته‌باشد، از گروه تقاضا می‌شود که واژه دوباره بررسی و معادل اصلاح شود. این دسته از واژه‌ها با حضور نماینده فرهنگستان بررسی می‌شود و تذکرات لازم از طریق نماینده به اطلاع گروه می‌رسد.

#### - مرحله پنجم

گروه مجدداً نظر هیئت فنی را بررسی می‌کند و پس از انجام اصلاحات لازم، واژه‌ها در دفترچه‌ای به شورای واژه‌گزینی عرضه می‌گردد.

#### - مرحله ششم

شورای واژه‌گزینی به مفهوم و ساخت واژه موردنظر توجه دارد و با تذکرات اصلاحی خود، گروه را راهنمایی می‌کند. چنانچه واژه پیشنهادی گروه به لحاظی متناسب با مفهوم مورد نظر نباشد، شورا پیشنهادهای ارائه می‌کند و به گروه فرصت داده می‌شود تا آنها را در جلسات خود مطرح کرده و نظر اعضای گروه را در جلسات بعد اعلام شود. این شورا پس از تصویب مقدماتی واژه‌ها، آنها را به گروه ارجاع می‌دهد.

#### - مرحله هفتم

گروه نظرات و اصلاحات شورای واژه‌گزینی را بررسی و اعمال می‌کند و تعریف‌ها را بازبینی می‌نماید و برای درج در خبرنامه و کسب نظر صاحب‌بنظران و مراکز مربوط آماده می‌کند.

#### - مرحله هشتم

در خبرنامه ی ماهانه ی فرهنگستان، تعدادی از واژه‌ها همراه با تعاریف و معادل پیشنهادی شورای واژه‌گزینی درج می‌شود. علاوه بر درج در خبرنامه، این معادل‌ها برای افراد ذیصلاح و سازمان‌ها و انجمن‌ها و کانون‌ها و دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی ارسال می‌گردد تا نظرات آنها نیز در زمینه ی معادل‌ها جویا شوند. نظرهای رسیده برای بررسی به نماینده ی گروه تحویل داده می‌شود.

#### - مرحله نهم

نظرات ارسالی در گروه مطرح می‌شود. چنانچه در بین معادل‌های ارسالی، معادلی مناسب‌تر از معادل پیشنهادی گروه تخصصی وجود داشته‌باشد، گروه در پ پیشنهاد خود تجدیدنظر می‌کند و پیشنهاد را می‌پذیرد. اگر معادل پیشنهاد شده نوساخته باشد و تاکنون در مرجعی ضبط نشده‌باشد و گروه و در نهایت شورای فرهنگستان آن را بپذیرد، نام فرد پیشنهاد دهنده در جزوه مصوب ذکر خواهد شد. واژه‌ها پس از بررسی نهایی گروه به شورای فرهنگستان ارسال می‌شود.

#### - مرحله دهم

نماینده فرهنگستان واژه‌های تصویب شده در شورای واژه‌گزینی و پیشنهادها دهی صاحب‌بنظران و مردم را در جدو لهایی تنظیم و برای تصویب نهایی به شورای فرهنگستان عرضه می‌کند. چنانچه واژه‌های با اتفاق آراء پذیرفته شد هباشد، مصوب

تلقی م ی‌شود و اگر در مورد واژه‌های نظر خاصی ارائه شد ه‌باشد، در هیئت فنی گروه واژه‌گزینی بررسی م ی‌شود. چنانچه دو سوم اعضا با معادل پیشنهادی گروه موافق باشند، واژه مصوب تلقی م ی‌شود.

#### - مرحله یازدهم

گروه پس از دریافت نظر شورای فرهنگستان، واژه ها را مجدداً بررسی م ی‌کند و آخرین اصلاحات را انجام م ی‌دهد و در اختیار کارشناس گروه قرار م ی‌دهد.

#### - مرحله دوازدهم

از آنجایی که رئیس جمهور ریاست عالی‌ه ی فرهنگستان را به عهده دارد، آنچه در شورای فرهنگستان به تصویب م ی‌رسد، پس از تأیید رئیس جمهور صورت قانونی به خود م ی‌گیرد. در این مرحله، صورت نهایی جزوه ی واژه‌های مصوب برای دفتر ریاست جمهور ارسال م ی‌شود.

#### - مرحله سیزدهم

رئیس جمهور نظر خود را در مورد واژه‌ها طی نام‌های به فرهنگستان اعلام م ی‌کند.

#### - مرحله چهاردهم

چنانچه جزوه به تأیید رئیس جمهور رسیده‌باشد، بلافاصله صحافی م ی‌شود و به تعداد لازم در اختیار دفتر معاون اول ریاست جمهوری قرار م ی‌گیرد تا با بخشنامه‌ای به تمام موسسات دولتی ابلاغ شود (دفتر پنجم واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۱۳۸۱:۱۱)

### ۱۱- وام‌گیری

معمولترین و طبیعی‌ترین حالتی که در برخورد دو زبان پیش م ی‌آید رد و بدل شدن عناصری میان آنهاست. به این فرایند، وام‌گیری گفته م ی‌شود. وام‌گیری زبان‌ها از یکدیگر پدیده‌های کاملاً طبیعی است که در همهٔ زبان‌های زندهٔ دنیا اتفاق م ی‌افتد و به گسترش واژگان زبان منجر م ی‌شود (نعمت‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۹).

#### ب: سابقه علمی طرح و پژوهش‌های انجام شده با ذکر مأخذ و منابع علمی بویژه در ایران

زرنیخی (۱۳۸۱) بر اساس دو روش نظری کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی به بررسی تأثیر واژه‌سازی تخصصی بر توسعه علمی پرداخته است. وی پس از بررسی زبان علم به توصیف و تحلیل و بررسی واژه‌های زبان فیزیک به عنوان یک مطالعه موردی و در مقطعی ۱۵۰ ساله م ی‌پردازد. از عمده‌ترین نتایج این پژوهش م ی‌توان از توسعه علم فیزیک در ایران و رشد و تحول چشمگیر زبان فیزیک و افزایش دقت و اصطلاح‌سازی و واژه‌گزینی یاد کرد.

پاول (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول» به بررسی مصوبات این فرهنگستان و میزان موفقیت آن در گسترش و رواج واژه‌های پیشنهادی پرداخته است. وی از سه جنبهٔ صوری، ریش‌هشناختی و موفقیت در

رسیدن به اهداف، به واژه‌های مصوب فرهنگستان اول نگاه کرده است. از لحاظ صوری، واژه‌های مصوب فرهنگستان به سه صورت ساده، مرکب یا وندی هستند و از لحاظ ریش هشناختی، یا قرضی هستند مانند بمب و صندوق که به ترتیب از انگلیسی و عربی قرض شده‌اند؛ یا فارسی سره هستند که از رواج افتاده بودند و فرهنگستان آنها را احیا کرده است، مانند «ژدها» و «کالا» یا واژه‌هایی هستند که عیناً از طریق گرته برداری ساخته شده‌اند؛ این «چاپخانه» و «زیردریایی». نوع آخر این واژه‌ها کاملاً ابداعی و در مفهوم محدودتری به کار رفته‌اند، مانند «بیمه»

محمودی (۱۳۸۸) به بررسی اختلاف موجود بین میزان کاربرد واژه‌های مصوب، نوواژه‌ها و واژه‌های قرضی در ترجمه متون تخصصی؛ بین ۵۵ دانشجوی مقطع دکتری و رشته‌های مختلف از جمله پزشکی پرداخته و وجود یا عدم وجود رابطی معناداری را نیز مورد بررسی قرار داده‌است. بر اساس یافته‌های این پژوهش در بیشتر موارد کاربرد واژه‌های وام‌گرفته بیشتر از واژه‌های مصوب بوده و دانشجویان دکتری تمایل بیشتری به کاربرد واژه‌های وام‌گرفته نشان داده‌اند. او در پایان بیان می‌دارد که توجه گروه واژه‌گزینی فرهنگستان به اطلاع‌رسانی و افزایش میزان آشنایی کاربران زبان با این واژه‌ها می‌تواند به افزایش کاربرد بینجامد.

حسین پور طوسی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی واژگان و نوواژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه‌ی هوانوردی بازرگانی، بنا به دسته‌بندی دورنیه دست به مطالعه کیفی و توصیفی می‌زند که در آن ۳۵ واژه و اصطلاح تخصصی مصوب از ۱۰۰ پاسخگو مورد پرسش قرار گرفته‌است و نتایج زیر به دست آمده‌است: میان دو رویکرد ترجمه مفهومی و ترجمه تحت‌اللفظی در ساخت واژگان، ترجمه مفهومی بروندادهای رساتر و خوش ساخت تری داشته حال آنکه ترجمه تحت‌اللفظی، واژه‌های نارسا و نامفهوم ایجاد کرده‌است. اگرچه پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که کاربران به طور کلی واژه‌های بیگانه را بر معادل‌های پیشنهادی ترجیح می‌دهند اما می‌توان واژه‌ها را به ۳ گروه تقسیم کرد: واژگانی با کمترین میزان رسایی و خوش ساخت بودن، واژگانی با بیشترین میزان رسایی و خوش ساخت بودن و واژگانی که در مرز بین این دو نوع واژه قرار دارند و اگرچه مورد پذیرش کامل قرار نگرفته‌اند اما با آنها مخالفت نیز نشده‌است. در پایان نیز برخی از ایرادهای محسوس در این معادل‌یابی‌ها را نام می‌برد، مانند عدم رعایت باهم‌آیی، عدم همگونی اجزای تشکیل‌دهنده واژه‌ها یا نوواژه‌های پیشنهادی، خوش‌آهنگی واژه‌ها، ترجمه‌ی زاید یا معادل‌گذاری مجدد، معادل‌گذاری واژه مصطلح و مانوس، عدم هم‌پوشانی معنایی واژه مصوب با واژه بیگانه.

احمدی نسب و ارسطوپور (۱۳۹۴) مقاله‌ای مشترک با توجه به اهمیت زبان علم و به منظور بررسی دقیق فرآیندهای واژه‌گزینی به بررسی معادل‌یابی واژه‌های تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر اساس اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نیز چگونگی واژه‌سازی و انتخاب درست معادل‌ها به عنوان ابزار انتقال مفاهیم پرداخته‌اند. در این پژوهش توصیفی ۱۵۱۰ واژه تخصصی این حوزه به صورت مقابله‌ای با معادل‌های انگلیسی خود مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین معادل‌یابی‌ها از طریق گروه‌های نحوی، واژه‌سازی، وام‌گیری و همپایگی ساخته شده‌اند و اختصارسازی که از بهترین شیوه‌های واژه‌گزینی مخصوصاً در زبان علم است، در این حوزه جایگاهی ندارد.

شریفی (۱۳۹۵) میزان کاربرد معادل‌های مصوب حوزه‌روانشناسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بررسی کرده و دریافته است که معادل‌های مصوب به جامعه علمی روانشناسی به‌خوبی معرفی نشده‌اند. به عقیده او توجه گروه واژه‌گزینی روانشناسی فرهنگستان به اطلاع‌رسانی و افزایش میزان آشنایی کاربران زبان به ویژه استادان و دانشجویان این حوزه با این واژه‌ها می‌تواند به افزایش کاربرد بیانجامد.

احمدی نسب (۱۳۹۸) در مقاله خود، وضعیت نشریات حوزه پزشکی در به‌کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی براساس فرهنگ هزارواژه پزشکی را بررسی نمود. نتایج نشان داد که بیشترین اصطلاحات انگلیسی به کاررفته در نشریات به ترتیب به مجله دندا نپزشکی، سالمند، فصلنامه دانش و تندرستی، سلامت کار ایران، شنوایی شناسی و حیات مرتبط بود. مجله دندا نپزشکی با نسبت ۲/۲۱ اصطلاح فارسی به انگلیسی از بیشترین اصطلاحات انگلیسی و نشریه حیات با نسبت ۶/۳۱ از کمترین اصطلاح انگلیسی استفاده کرده است. علاوه بر این، نقاط ضعف فرهنگ هزارواژه پزشکی نیز مشخص شد، مانند وجود برابر‌نهادهای مشابه در برابر اصطلاحات متفاوت، استفاده از اصطلاح ادبی در برابر اصطلاح علمی، استفاده از اصطلاح بیگانه در برابر اصطلاح رایج فارسی، استفاده از برابر‌نهاد با بار منفی. همچنین وضعیت اصطلاحات تخصصی هر یک از نشریات نیز به صورت جداگانه تحلیل شد که درخصوص آنها نکاتی قابل توجه است، مانند استفاده هم‌زمان از اصطلاح عام و علمی، استفاده هم‌زمان از اصطلاح انگلیسی و فارسی، عدم استفاده از وندافزایی فارسی، استفاده افراطی از اشتقاق، استفاده از ترتیب‌های واژگانی مختلف برای اشاره به یک اصطلاح مرکب، استفاده از دو مقوله واژگانی مختلف برای اشاره به یک مفهوم. در مجموع، به نظر می‌رسد که نشریات پزشکی مورد بررسی به رعایت و استفاده از واژه‌های مصوب هزارواژه پزشکی فرهنگستان زبان و ادب فارسی توجهی نداشته‌اند.

شیری (۱۳۹۶) معادل‌های حوزه نجوم فرهنگستان را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد در کنار رواج و کاربرد متواتر معادل‌های از پیش تعیین شده توسط مترجمان و متخصصان این رشته، معادل‌های مصوب در کارگروه نجوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی توانسته‌اند به‌خوبی جای خود را در میان مترجمان و اهل فن باز کنند و درصد قابل توجهی از میزان پذیرش کاربران را به خود اختصاص دهند.

یل شرز (۱۴۰۰) در پژوهش خود تحت عنوان «نحوه پذیرش واژگان مصوب فرهنگستان در جامعه و راه کارهایی جهت علمی کردن زبان فارسی» نتیجه گرفته است که «دلایل سیاسی»، «توجه مردم به زبان فارسی» و «ضعف فرهنگستان در واژه‌گزینی» از علل عدم استقبال از این واژگان است. سپس، با بهره‌گیری از مفاهیم نظری چون مدرنیت و روشنگری و با رویکردی تحلیلی - تطبیقی ضمن بررسی عوامل زمینه‌ساز رشد زبان‌های علمی اروپایی به مقایسه این زمینه‌ها با ترتیب فکری جامعه ایران در دوران تمدن اسلامی و دوران معاصر پرداخته و استدلال کرده است که علمی شدن زبان فارسی تنها با ترجمه اصطلاحات خارجی محقق نمی‌شود؛ بلکه، این امر منوط به تحقق شرایطی چون بسط گفتمان تولید علم در کشور و پرورش روحیه علمی است تا ذهنیت و روح علمی را در جامعه ایرانی بدمد تا زبان فارسی بتواند در بطن آن رشد یابد و به زبان علمی بدل گردد.

بهروز (۱۴۰۱) در مقاله خود به بررسی کمی و کیفی کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتاب‌های درسی شاخه نظری پرداخته است. بنابر یافته‌های این تحقیق، بیشتر اشکالات در زمینه مناسبات همنشینی بین واژگان و نیز ناهماهنگی در استفاده از طرز صحیح درج برابرها در کتاب‌ها بوده است. از منظر کمی نیز این موارد بیشتر شامل واژگان عمومی و با مفاهیم انتزاعی است تا واژگان تخصصی و عینی. بنابراین، لازم است که بیشتر کتاب‌های درسی در دایره توجه از نظر کاربرد مناسب این گروه از برابرها قرار گیرد.

آثار فوق تعدادی از مطالعاتی هستند که درباره واژه‌گزینی و همچنین مصوبات فرهنگستان انجام شده‌اند و این مصوبات را به نقد کشیده‌اند. باید توجه داشت که میزان موفقیت هر یک از الگوهای واژه‌سازی فرهنگستان در جلب اعتماد و استقبال پژوهشگران امری حائز اهمیت است. از اینرو، پژوهش و بررسی میزان پیروی از مصوبات فرهنگستان ضروری می‌نماید. اما پژوهشگر حاضر نتوانست به مطالعاتی دست یابد که مشخصاً به وضعیت تبعیت و پیروی نشریات زبان‌شناسی مصوبات فرهنگستان پرداخته باشد. به همین دلیل، می‌توان پژوهش حاضر را یکی از اولین مطالعات صورت گرفته در این زمینه دانست.



**فصل سوم**  
**روش شناسی پژوهش**

در این فصل برآنیم تا به بررسی نتایج به دست آمده در این پژوهش بپردازیم. همانطور که در فصل یک اشاره شد هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان مقبولیت و کاربرد برخی از معادل‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زبان‌شناسی است. در این بخش در ابتدا به روش‌شناسی پژوهش پرداخته و روش جمع‌آوری مطالب، حجم نمونه‌گیری، جامعه آماری، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و محدودیت‌های پیش روی پژوهش را معرفی می‌نماییم. در ادامه مطالب نتایج به دست آمده از پژوهش در قالب آمار توصیفی و تحلیلی ارائه می‌گردد و در انتها نیز با توجه به آمار توصیفی و تحلیلی به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب می‌پردازیم.

### و: روش پژوهش (جامعه، نمونه، نوع مطالعه، ابزارگردآوری اطلاعات، روش آماری)

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و به روش تحلیل محتوا انجام شده است. تحلیل محتوا روشی است برای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن. در تحلیل محتوا به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش در مورد آن، به ارتباطاتی که آنها به وجود آورده و پیام‌هایی که رد و بدل کرده‌اند، توجه می‌شود. تحلیل محتوا، متون نامه‌ها، دفاتر خاطرات، سخنرانی‌ها، مقالات، صورت جلسات، کتب، نقاشی‌ها، قوانین و هر سند دیگری را مطالعه و ارزیابی می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۱). این تحلیل می‌تواند بی‌ربطه با زمان و مکان در مورد محتواها و منابعی که در زمان‌های گذشته یا در فرهنگ‌های دیگر تولید شده‌اند، به کار گرفته شود (رفیع پور، ۱۳۸۵: ۸۱). تحلیل محتوا روشی مشاهده‌ای و غیر مداخله‌ای است و چون اسناد مورد مطالعه و متون مورد تحلیل قبلاً ثبت و ضبط شده، بنابراین صاحبان اسناد و مؤلفان آثار در کار تحلیل، واکنشی عمل نمی‌کنند. همچنین تحلیل‌گران و محققان در کار تألیف و تدوین و ایجاد اسناد و مدارک، مداخله نمی‌کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۱) روش تحلیل محتوا روشی است که می‌توان بر اساس آن، خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور واقع بینانه یا عینی و بطور سیستماتیک شناخت (رفیع پور، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

هانت<sup>۸</sup> تحلیل محتوا را فن شمارش تعداد دفعاتی می‌داند که انواع مختلف کلمات، عبارات، اندیشه‌ها یا تصورات در یک متن خاص ارتباطی، ظاهر می‌شوند. هانت همچنین مدعی است که هدف تحلیل محتوا قرار دادن مقادیر کمی به جای دآوری‌های شهودی در مورد اهمیت محتوای متون است. (هانت، ۱۹۸۵: ۲۶)

با توجه به مطالب فوق، روش تحقیق در این پژوهش روش تحلیل محتوا کمی است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوا کمی به بررسی میزان کاربرد واژه‌های زبان‌شناسی مصوب فرهنگستان در مقالات علمی نشریات نمایه شده در پایگاه ISC پرداخته خواهد شد و با استفاده از این روش، گرایش نشریات در به کاربردن واژه‌های مصوب و یا بالعکس وام‌واژه‌ها تعیین خواهد شد و در نهایت فهرستی بر اساس واژه‌هایی که در مقالات به جای معادل آن در فرهنگستان استفاده شده است به همراه تعداد رخداد، ارائه و مورد ارزیابی قرار خواهد گردید و سپس با اساتید متخصص رشته (به روش

<sup>8</sup> Hunt

گلوله برفی) نیز مصاحبه و یا در قالب پرسشنامه دلایل احتمالی عدم استفاده از فرهنگ هزار واژه مورد بررسی و راهکارهای پیشنهادی اساتید متخصص درج خواهد شد.

## جامعه ی آماری

جامعه آماری را می‌توان مجموعه‌ای از افراد یا واحدها معرفی کرد که حداقل یک صفت مشترک داشته باشند (سرمد جامعه آماری این پژوهش، نشریات علمی دارای ضریب تأثیر زبان‌شناسی است). این نشریات به قرار زیرند:

جدول ۱: فهرست نشریات زبان شناسی نمایه شده در ISC

ردیف	نام نشریه	ضریب تاثیر
۱	پژوهش‌های زبان شناسی	٪۲۰۸
۲	پژوهش‌های زبان شناسی تطبیقی	٪۱۱۶
۳	پژوهش‌های زبانشناختی در زبان های خارجی	٪۱۷۳
۴	پژوهش‌های زبانشناختی قرآن	٪۱۰۴
۵	پژوهش‌های زبانی	٪۵۱۶
۶	جستارهای زبانی	٪۶۵۶
۷	زبان پژوهی	٪۵۷۶
۸	زبان شناخت	٪۰۷۷
۹	زبان شناسی گویش های ایرانی	٪۱۴۳
۱۰	زبان شناسی و گویش های خراسان	٪۲۵۰

در خصوص انتخاب این جامعه ی آماری ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. در مورد اینکه چرا پژوهش حاضر به بررسی موردی وضعیت اصطلاحات زبان شناسی پرداخته‌است می‌توان گفت که به منظور مشاهده رفتار زبانی زبان شناسان که در ظاهر به دلیل اشراف به مسائل زبانی، بیش از نویسندگان دیگر رشته‌ها می‌بایست به رعایت دستورالعمل فرهنگستان مقید باشند نگارنده را بر آن داشت تا به این مسئله بپردازد که آگاهی و استقبال جامعه زبان‌شناسان از واژه‌های فرهنگستان، تا چه حدی بوده است. از این رو در این پژوهش برآنیم که به شکلی دقیق جایگاه برخی از این معادل‌ها را بین این جامعه مورد بررسی قرار دهیم و از آنجا که بیشتر اصطلاحات تخصصی در مجلات علمی به کار می‌روند جامعه پژوهشی حاضر به نشریات تخصصی حوزه زبان‌شناسی نمایه شده در موسسه استنادی و پایش علم و فناوری (ISC) اختصاص یافته است. بدیهی است که بررسی موشکافانه و ارزیابی معادل‌های برگزیده می‌تواند راهنمای دست‌اندرکاران معادل‌گزینی در فرهنگستان بوده تا بتوانند با آگاهی و دقت بیشتری امر معادل‌گزینی را دنبال کنند.

## حجم نمونه گیری

از تعداد ۱۰ نشریه نمایه شده ۵۰ مقاله از شماره های اخیر آن از طریق وبگاه نشریه انتخاب شد. به این ترتیب جامعه پژوهش شامل ۵۰۰ مقاله حوزه زبان شناسی است. به منظور انجام پژوهش، ابتدا واژه های تخصصی موجود در مقالات هر نشریه گردآوری و پس از حذف موارد تکراری، در نرم افزار اکسل وارد شد. تمام واژه‌های هزارواژه زبان‌شناسی نیز وارد نرم

افزار اکسل گردید. در مرحله بعد، واژه‌های استخراج‌شده از مقالات با واژه‌های هزارواژه زبان‌شناسی مطابقت داده شد تا میزان تبعیت نشریات از واژه‌های مصوب فرهنگستان مشخص شود.

## **فصل چهارم**

### **تجزیه و تحلیل داده‌ها**

اگرچه اصلی‌ترین عامل در ترویج واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان ذائقه زبانی مردم و افزایش عرق ملی است، اما تجربه اخیر در مورد واژه‌های "پیامک" و "یارانه" نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی نقش بسیار مهمی در این امر ایفا می‌کنند. در این بخش از تحقیق حاضر تلاش شده است که تا به این پرسش پاسخ داده شود که مجلات علمی زبان‌شناسی تا چه میزان خود را به استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان ملزم و متعهد می‌دانند و در مقالات منتشر شده خود آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند.

**سوال اول:** پربسامدترین واژگان مصوب زبان‌شناسی در مجلات زبان‌شناسی کدام اند و به چه حوزه‌ای تعلق دارند؟ با بررسی پیوست (۱) به بررسی واژه‌های مستخرج در مجلات زبان‌شناسی، می‌پردازیم. تعداد واژه‌ها و ترکیبات زبان‌شناسی موجود در مجلات زبان‌شناسی در بازه زمانی مورد نظر حدود ۸۳۴ واژه است. فهرست پربسامدترین واژه‌ها در جدول ۲ درج شده است.

در پیوست (۱) واژه مصوب و مشتقات مربوط به واژه در ستون اول و در ستون دوم واژه به کاررفته در مجلات و درستون سوم فراوانی واژه قابل مشاهده است.

**جدول ۲: توزیع فراوانی واژگان به کاررفته در مجلات زبان‌شناسی**

ردیف	نام واژه	فراوانی
۱	واژگان	۲۴
۲	زبان	۱۴
۳	استعاره	۱۲
۴	سازه	۱۱
۵	بافت	۱۰
۶	واژه بست	۱۰
۷	هجا	۹
۸	استعاره مفهومی	۸
۹	وام‌گیری	۸
۱۰	تکواژ	۷
۱۱	کنشگر	۷
۱۲	لهجه	۷
۱۳	همخوان	۷
۱۴	واکه	۷
۱۵	وجه	۷
۱۶	وند افزایی	۶
۱۷	افزوده	۶
۱۸	بافت زبانی	۶
۱۹	تکیه	۶
۲۰	زبرزنجیری	۶

۶	گویش	۲۱
۶	وام واژه	۲۲

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی واژه های زبان شناسی در مجلات

تعداد واژه	درصد	دفعات تکرار
۱	٪۸۶	۷۲۰
۲	٪۰۵۲	۴۴
۳	٪۰۲۷	۲۳
۴	٪۰۲۰	۱۷
۵	٪۰۰۵	۷
۶	٪۰۰۹	۸
۷	٪۰۰۷	۶
۸	٪۰۰۲	۲
۹	٪۰۰۱	۱
۱۰	٪۰۰۲	۲
۱۱	٪۰۰۱	۱
۱۲	٪۰۰۱	۱
۱۴	٪۰۰۱	۱
۲۴	٪۰۰۱	۱
جمع ۸۳۴		

همان طور که در پیوست (۱) مشاهده می‌شود از ۸۳۴ واژه زبان شناسی در مجلات علمی زبان شناسی طی بازه زمانی مورد نظر، ٪۰۰۱ درصد واژه‌ها، ۱۴، ۲۴، ۱۱ و ۹ بار تکرار شده است و فقط ۴ واژه از این ویژگی برخوردار است. ٪۰۰۲ درصد واژه‌ها، ۸ و ۱۰ بار تکرار شده است و دو واژه دارای این ویژگی هستند و به همین ترتیب تا انتها که ٪۸۶ درصد واژه‌ها یک بار تکرار شده اند و ۷۲۰ واژه از این ویژگی برخوردار هستند. همچنین پربسامدترین واژه‌ها به حوزه معناشناسی تعلق دارد.

**سوال دوم پژوهش چه میزان از واژه های مصوب فرهنگستان در زمینه علم زبان شناسی در مجلات علمی زبان شناسی نمایه شده در ISC استفاده شده است؟**

ابتدا برای پاسخگویی به این سوال، جدولی طراحی شد که این جدول‌ها شامل هفت ستون بودند که در ستون اول واژه لاتین و در ستون دوم تعداد دفعات (بسامد) استفاده از واژه بیگانه، در ستون سوم واژه مصوب فرهنگستان، در ستون چهارم تعداد کل دفعاتی که معادل مصوب فرهنگستان مورد استفاده قرار گرفته بود، در ستون پنجم میانگین واژه‌هایی که استفاده شده بود و در ستون ششم درصد استفاده از واژه لاتین و در ستون هفتم درصد استفاده از واژه مصوب فرهنگستان با توجه

به ارقام بدست آمده، و میزان درصد استفاده از واژه مصوب فرهنگستان نسبت به واژه لاتین ثبت شدند. جدول (۴) نمایانگر این اطلاعات است.

جدول ۴: میزان استفاده نشریات علمی زبان شناسی از واژگان مصوب فرهنگستان

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	کوتاه سازی، اختصار سازی	۰	abbreviation	۱
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	لهجه	۰	accent	۲
٪۱۳	٪۸۷	۴	۱	صوتی	۷	acoustic	۳
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	اندام تولید	۰	articulator	۴
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	کنشگر	۰	actor	۵
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۴	سازگاری	۱	adaptation	۶
٪۸۰	٪۲۰	۳	۶	واکه افزوده	۰	anaptyctic	۷
٪۶۷	٪۳۳	۳	۴	زبان پریشی	۲	aphasia	۸
٪۱۰۰	٪۰	۶	۱۲	وند	۰	affix	۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	وندافزایی	۰	affixation	۱۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	وندی	۰	affixing	۱۱
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	عامل	۰	agent	۱۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	تکواژگونه	۰	allomorph	۱۳
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	الفبا	۰	alphabet	۱۴
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	ابهام	۰	ambiguty	۱۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبان شناسی کاربردی	۰	applied linguistics	۱۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	تولید، فراگو	۰	Articulation	۱۷
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	نمود	۰	aspect	۱۸
٪۵۰	٪۵۰	۱	۱	پس زمینه	۱	background	۱۹
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	دو زبانه	۰	bilingual	۲۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	آمیزه	۰	blend	۲۱
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	وام گیری	۰	borrowing	۲۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	گرده برداری	۰	calque	۲۳
٪۱۰۰	٪۰	۳	۶	حالت	۰	case	۲۴
٪۶۰	٪۴۰	۲.۵	۳	مقوله	۲	category	۲۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	فعل سببی	۰	Causative verb	۲۶
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	واکه	۰	Vowel	۲۷
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	بند	۰	clause	۲۸

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۶	۱۲	واژه بست	۰	clitic	۲۹
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	هجای بسته	۰	Closed syllable	۳۰
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	بست، انسداد	۰	closure	۳۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	پایانه	۰	coda	۳۲
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	انسجام	۰	cohesive	۳۳
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	هم آبی	۰	collocation	۳۴
٪۱۰۰	٪۰	۳	۶	توانش	۰	competence	۳۵
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	متمم ساز، متمم نما	۰	complementizer	۳۶
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱۰	مؤلفه	۰	componenet	۳۷
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زبان‌شناسی رایانشی	۰	Computational linguistics	۳۸
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	استعاره مفهومی	۰	Conceptual metaphor	۳۹
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	پیوند، حرف ربط	۰	conjunction	۴۰
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	همخوان، صامت	۰	consonant	۴۱
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	همخوانی	۰	consonantal	۴۲
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	خوشه همخوانی	۰	Consonant cluster	۴۳
٪۱۰۰	٪۰	۵.۵	۱۱	سازه	۰	constituent	۴۴
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	ساختار	۰	construction	۴۵
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زبان تماس	۰	Contact language	۴۶
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	محتوایی	۰	contentive	۴۷
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	بافت	۰	context	۴۸
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	بافت موقعیتی	۰	Context of situation	۴۹
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	بافتی کردن	۰	contextualization	۵۰
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	ادغام	۰	contraction	۵۱
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	تقابلی	۰	Contrastive	۵۲
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زبان‌شناسی مقابله‌ای	۰	Contrastive Linguistics	۵۳
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	فعل ربطی	۰	copula	۵۴
٪۸۴	٪۱۶	۶	۵	پیکره	۱	corpus	۵۵
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	تحلیل گفتمان انتقادی	۰	Critical Linguistics	۵۶
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	حالت برایی	۰	Dative case	۵۷
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زبان مرده	۰	Dead language	۵۸
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	ژرف ساخت	۰	Deep structure	۵۹
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	تعریف	۰	definition	۶۰
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	وابسته	۰	dependent	۶۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	اشتقاق	۰	derivation	۶۲



درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۰.۵	۱	ونداشتاقی	۰	Derivational affix	۶۳
٪۱۰۰	٪۰	۰.۵	۱	مشتق	۰	Derivative	۶۴
٪۱۰۰	٪۰	۰.۵	۱	خوانش پریشی	۰	dyslexia	۶۵
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	زبان شناسی در زمانی	۰	Diachronic Linguistics	۶۶
٪۱۰۰	٪۰	۰.۵	۱	در زمانی	۰	Diachrony	۶۷
٪۱۰۰	٪۰	۳	۶	گویش	۰	dialect	۶۸
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۲	واکه مرکب	۰	diphthong	۶۹
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	گفتمان	۰	discourse	۷۰
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	گفتمان شناسی (تحلیل گفتمان)	۰	Discourse analysis	۷۱
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	صرف توزیعی، ساختواژه توزیعی	۰	Distributed morphology	۷۲
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	واگرایی	۰	divergence	۷۳
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	دیرش	۰	duration	۷۴
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	حذف	۰	ellipsis	۷۵
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	درونه گیری	۰	embedding	۷۶
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	تجربه گرایی	۰	empiricism	۷۷
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	پی بست	۰	enclitic	۷۸
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	پایانه	۰	ending	۷۹
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	شناسه	۰	ending	۸۰
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	درون مرکز	۰	Endocentric Compound	۸۱
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	کنایی	۰	ergative	۸۲
٪۲۵	٪۲۵	۲	۳	ریشه شناسی	۱	Etymology	۸۳
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	ریشه	۰	Etymon	۸۴
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	درج همخوان	۰	excrecence	۸۵
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	برون مرکز	۰	Exocentric Compound	۸۶
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	نمود	۰	exponence	۸۷
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	مشخصه	۰	feature	۸۸
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زنشی	۰	Flapping	۸۹
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	تکواژ آزاد	۰	free morpheme	۹۰
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	سایشی	۰	friction	۹۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	دستور نقشگرا	۰	Functional grammar	۹۲
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	واژه نقشی	۰	Grammatical word	۹۳
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زبان های هم آمیخته	۰	Fusional language	۹۴

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	جنس	۰	gender	۹۵
٪۳۴	٪۶۶	۱.۵	۱	گونه سبکی	۲	genre	۹۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	غلت	۰	glide	۹۷
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	اسم مصدر	۰	gerund	۹۸
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	چاکنایی	۰	glottal	۹۹
٪۸۲	٪۱۸	۵.۵	۹	دستور	۲	grammar	۱۰۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	دستوری شدگی	۰	Grammaticalization	۱۰۱
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	ساخت دستوری	۰	Grammatical structure	۱۰۲
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	تکواژ دستوری	۰	morpheme Grammatical	۱۰۳
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	توانش دستوری	۰	Grammatical competence	۱۰۴
٪۱۰۰	٪۰	۳	۶	هسته	۰	head	۱۰۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبانهای هسته آغاز	۰	Head-first language	۱۰۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبانهای هسته پایان	۰	Head-last language	۱۰۷
٪۷۵	٪۲۵	۱.۵	۳	هم آوا	۱	homophony	۱۰۸
٪۸۰	٪۲۰	۲.۵	۴	شمول معنایی	۱	hyponymy	۱۰۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زیرشمول	۰	hyponym	۱۱۰
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	واکه افراشته	۰	high vowel	۱۱۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	تصویرگونگی	۰	iconicity	۱۱۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	فعل آغازی	۰	Inchoative verb	۱۱۳
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبان انضمامی	۰	Incorporating lang	۱۱۴
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	تصریف	۰	inflection	۱۱۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبان تصریفی	۰	Inflecting language	۱۱۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	وند تصریفی	۰	Inflectional affix	۱۱۷
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	سرواژه سازی	۰	initialism	۱۱۸
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	آهنگ	۰	intonation	۱۱۹
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	فعل ناگذر، فعل لازم	۰	Intransitive verb	۱۲۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	شم زبانی	۰	intuition	۱۲۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	زبان گسسته	۰	Isolating language	۱۲۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	درنگ	۰	juncture	۱۲۳
٪۱۰۰	٪۰	۲	۱۰	زبان	۰	language	۱۲۴
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	رده شناسی زبان	۰	typology Language	۱۲۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	نرم شدگی	۰	lenition	۱۲۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	تکواژه	۰	lexeme	۱۲۷

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	ابهام واژگانی	۰	Lexical ambiguity	۱۲۸
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	مدخل واژگانی	۰	Lexical entry	۱۲۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	خلأ واژگانی	۰	Lexical gap	۱۳۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	واژگانی شدن	۰	Lexicalization	۱۳۱
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	توانش زبانی	۰	Linguistic competence	۱۳۲
٪۱۰۰	٪۰	۳	۶	بافت زبانی	۰	Linguistic context	۱۳۳
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	زبان شناسی	۰	Linguistic	۱۳۴
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	وام واژه	۰	Loan word	۱۳۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	واکه افتاده	۰	Low vowel	۱۳۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	بند پایه	۰	main clause	۱۳۷
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	نشانداری	۰	markedness	۱۳۸
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	معنا	۰	meaning	۱۳۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	مجاز جزء به کل (جزء واژگی)	۰	meronymy	۱۴۰
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	فرازبان	۰	metalanguage	۱۴۱
٪۱۰۰	٪۰	۷.۵	۱۳	استعاره	۰	metaphor	۱۴۲
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	مجاز	۰	metonymy	۱۴۳
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	برنامه کمینه گرا	۰	Minimalist program	۱۴۴
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	فعل وجهی	۰	modal verb	۱۴۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	توصیف گر	۰	modifier	۱۴۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	واکه ساده	۰	monophthong	۱۴۷
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	تک هجایی	۰	monosyllabic	۱۴۸
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	تکواژ	۰	morpheme	۱۴۹
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	ساختوازی - صرفی	۰	morphological	۱۵۰
٪۸۰	٪۲۰	۲.۵	۴	ساختواژه - صرف	۱	morphology	۱۵۱
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	واجی	۰	morphophonemic	۱۵۲
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	واج شناسی	۰	Morphophonology	۱۵۳
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	چندزبانگی	۰	multilingualism	۱۵۴
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	خیشومی	۰	nasal	۱۵۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	خیشومی شدگی	۰	nasalization	۱۵۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زبان بومی	۰	Native language	۱۵۷
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	نوواژه	۰	neologism	۱۵۸
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	اطلاع نو	۰	information new	۱۵۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	بافت غیرزبانی	۰	non-linguistic contex	۱۶۰

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	اطلاع کهنه	۰	old information	۱۶۱
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	هجای باز	۰	Open syllable	۱۶۲
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	کامی	۰	palatal	۱۶۳
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	صیغگان	۰	paradigm	۱۶۴
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	جانشینی	۰	Paradigmatic	۱۶۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	رابطه جانشینی	۰	Paradigmatic	۱۶۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	کنش پذیر	۰	patient	۱۶۷
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	کنش	۰	performance	۱۶۸
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	شخص	۰	person	۱۶۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	واج شناسی	۰	phonological	۱۷۰
٪۷۲	٪۲۸	۵.۳	۵	آواشناسی	۲	phonetics	۱۷۱
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	تکیه زیروبمی	۰	Pitch accent	۱۷۲
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	پس اضافه	۰	postposition	۱۷۳
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	کاربردشناسی	۰	pragmatics	۱۷۴
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	اسنادی	۰	predicative	۱۷۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	پیشوند	۰	prefix	۱۷۶
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	زایا	۰	productive	۱۷۷
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	زایایی	۰	productivity	۱۷۸
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	روانشناسی زبان	۰	Psycholinguistics	۱۷۹
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	حشو	۰	redundant	۱۸۰
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	سیاق	۰	register	۱۸۱
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	بندموصولی	۰	Relative clause	۱۸۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	بازنمود	۰	representation	۱۸۳
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	ریشه	۰	root	۱۸۴
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	معنایی، معناشناختی	۰	semantic	۱۸۵
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	مشخصه معنایی	۰	Semantic feature	۱۸۶
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	تکیه جمله	۰	Sentence accent	۱۸۷
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	کنش گفتاری	۰	Speech act	۱۸۸
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	ستاک	۰	stem	۱۸۹
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	انسدادی	۰	stop	۱۹۰
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	استعاره ساختاری	۰	Structural metaphor	۱۹۱
٪۱۰۰	٪۰	۱.۵	۳	پسوند	۰	suffix	۱۹۲
٪۱۰۰	٪۰	۵.	۱	پسوندافزایی زبرزنجیری	۰	Suffixation suprasegmental	۱۹۳

درصد استفاده از معادل فارسی	درصد استفاده از معادل لاتین	میانگین میزان استفاده	تعداد کاربرد واژه مصوب	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد استفاده از واژه	واژه بیگانه	ردیف
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	روساخت	۰	Surface structure	۱۹۴
٪۷۵	٪۲۵	۱.۵	۳	هجایی	۰	syllabic	۱۹۵
٪۱۰۰	٪۰	۶	۹	هجا	۳	syllable	۱۹۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	هم نشینی	۰	syntagmatic	۱۹۷
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	نحوی	۰	syntactic	۱۹۸
٪۵۰	٪۵۰	۳	۳	دشوآه	۳	taboo word	۱۹۹
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	زمان دستوری	۰	tense	۲۰۰
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	آغازگر	۰	theme	۲۰۱
٪۱۰۰	٪۰	۲	۴	مبتدا	۰	topic	۲۰۲
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	مبتداسازی	۰	topicalization	۲۰۳
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	ترانوش	۰	Transliteration	۲۰۴
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	گذرا متعدی	۰	transitive	۲۰۵
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	رده شناختی	۰	typological	۲۰۶
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	طبقه بندی رده شناختی	۰	Typological classification	۲۰۷
٪۷۵	٪۲۵	۱.۵	۳	رده شناسی	۱	typology	۲۰۸
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	نازایا (غیرزایا)	۰	unproductive	۲۰۹
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	گفته	۰	utterance	۲۱۰
٪۱۰۰	٪۰	۲.۵	۵	گونه	۰	variety	۲۱۱
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	نرمکامی شدگی	۰	velarization	۲۱۲
٪۱۰۰	٪۰	۳.۵	۷	واکه	۰	vowel	۲۱۳
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	هماهنگی واکه ای	۰	harmony vowel	۲۱۴
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	پرسش واژه	۰	wh-word	۲۱۵
٪۱۰۰	٪۰	۴	۸	واژه	۰	word	۲۱۶
٪۱۰۰	٪۰	۵	۱	رده واژه (طبقه واژه)	۰	Word-class	۲۱۷
٪۱۰۰	٪۰	۱	۲	واژصفر	۰	Zero morph	۲۱۸

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود پژوهشگران مقالات زبان‌شناسی، به طرز چشمگیری از واژه‌های مصوب فرهنگستان در مقالات خود استفاده نموده‌اند و درصد استفاده از معادل فارسی واژه در مقالات بسیار زیادتر از درصد استفاده از معادل لاتین آن بوده است. حاصل جمع و تقسیم درصدهای بدست‌آمده برای هر واژه نشان می‌داد که میانگین استفاده از معادل‌های فرهنگستان در مجلات زبان‌شناسی طی بازه زمانی مورد نظر، بیش از ۹۸ درصد بوده است.

**سوال سوم پژوهش: میزان کاربرد واژه‌های لاتین در مجلات چه اندازه بوده است؟**

همانطور که جدول (۵) نشان می‌دهد بیشترین واژه زبان‌شناسی که پژوهشگران، معادل بیگانه آن واژه را در مقالات خود به کار برده‌اند واژه آکوستیک با ۸۷٪ است و دو واژه تابو و بک گراند ۵۰٪ از میزان استفاده از معادل لاتین را به خود اختصاص داده است. بعد از آن واژگان لاتین سیلاب، گرامر، اتیمولوژی، فونوتیک، تپولوژی، آفازیا، ادابت، آنالوگ، هارموفونی، هیپونومی، مارفولوژی و ژانر نیز از واژگانی هستند که معادل لاتین آن در مقالات زبان‌شناسی دیده شده‌اند.

**جدول ۵: میزان کاربرد واژه‌های لاتین در مجلات**

ردیف	واژه بیگانه	تعداد استفاده از واژه	واژه مصوب فرهنگستان	تعداد کاربرد واژه مصوب	میانگین میزان استفاده	درصد استفاده از معادل لاتین	درصد استفاده از معادل فارسی
۱	acoustic	۷	صوتی	۱	۴	۸۷٪	۱۳٪
۲	adaptation	۱	سازگاری	۴	۱.۵	۲۰٪	۸۰٪
۳	aphasia	۲	زبان‌پریشی	۴	۳	۳۳٪	۶۷٪
	analogy	۱	قیاس	۵	۳	۱۶٪	۸۴٪
۴	background	۱	پس زمینه	۱	۱	۵۰٪	۵۰٪
۶	Etymology	۱	ریشه‌شناسی	۳	۲	۲۵٪	۷۵٪
۷	grammar	۲	دستور	۹	۵.۵	۱۸٪	۸۲٪
۸	genre	۲	گونه سبکی	۱	۱.۵	۶۶٪	۳۴٪
۹	homophony	۱	هم آوا	۳	۱.۵	۲۵٪	۷۵٪
۱۰	hyponymy	۱	شمول معنایی	۴	۲.۵	۲۰٪	۸۰٪
۱۱	morphology	۱	ساختواژه - صرف	۴	۲.۵	۲۰٪	۸۰٪
۱۲	phonetics	۲	آواشناسی	۵	۵.۳	۲۸٪	۷۲٪
۱۳	syllable	۳	هجا	۹	۶	۳۳٪	۶۷٪
۱۴	taboo word	۶	دشوآه	۳	۳	۵۰٪	۵۰٪
۱۵	typology	۱	رده‌شناسی	۳	۱.۵	۲۵٪	۷۵٪

سوال چهارم پژوهش: میزان واژه‌های معادل سازی نشده در فرهنگستان در زمینه زبان شناسی چقدر است؟ جدول (۶) به بررسی واژه‌هایی می‌پردازد که در ۵۰۰ مقاله از مجلات زبان شناسی به کار رفته اند ولی در فرهنگستان معادل سازی آن واژه‌ها صورت نگرفته است. تعداد این واژه ها ۲۳ واژه می‌باشد.

جدول ۶: واژه های معادل سازی نشده در فرهنگستان

ردیف	واژه های تخصصی موجود در مقالات
۱	ریتم ریتم گفتار
۲	اسکیما
۳	ایدئولوژیک
۴	هزارش
۵	اکوستیک فضای آکوستیکی سرنخ های آکوستیکی مؤلفه های آکوستیکی همبسته های آکوستیکی پارامتر آکوستیکی
۶	سناریو
۷	پارامتر
۸	توکن ها
۹	ابژه ابژه ای
۱۰	کلیشه ای
۱۱	ریزوماتیک
۱۲	آژانسمان
۱۳	ریزوماتیک و غیر دلالتگر
۱۴	آنتاگونیسم
۱۵	سیگنال زبانی
۱۶	آکسیونسارت
۱۷	پلان
۱۸	پرایم پرایمینگ بین زبانی
۱۹	نگاه پارادایمی
۲۰	نوستالژیک

واژه های تخصصی موجود در مقالات	ردیف
سنتز synthesis	۲۱
هرمنوتیک	۲۲
سکانس	۳۲

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود در بیشتر این واژه‌ها عین واژه یا لفظ بیگانه پس از مختصر تغییرات آوایی مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این واژه‌ها را به دلیل آنکه در فارسی با بسامد بالا و در طول سال‌ها به کار رفته‌اند در مقالات علمی نیز استفاده می‌شوند همچنین این الفاظ و واژه‌ها هم از جهت سازگاری آوا و آهنگشان با زبان فارسی و هم از جهت کثرت استعمال به زبان اصلیشان به کار می‌روند. با این حال بهتر است که این واژگان نیز بومی‌سازی شوند و نویسندگان معادل فارسی مصوب واژه‌ها را در نوشته‌های خود به کار برند. همچنین در بین واژه‌هایی که از ۵۰۰ مقاله زبان شناسی استخراج گردید تعدادی واژه مشاهده گردید که عمدتاً به صورت ترکیب با واژه مصوب فرهنگستان درآمده است که در جدول (۷) قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۷: واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات

واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات	ردیف
افعال ایستا افعال خود ایستایی افعال تک ظرفیتی افعال ذهنی verbs mental افعال کنشی افعال مرکب انضمامی	۱
پار گفت	۲
باهم آیی	۳
هنجارگریزی قاعده کاهی	۴
بیگانه سازی foreignization	۵
بومی سازی domestication	۶
بازنمون	۷
سرنمون prototype	۸
نویسه-واجی phoneme-grapheme	۹
همجوشی یا آمیختگی fusion	۱۰
اصل کمیت Maxim of Quantity اصل کیفیت: Maxim of Quality اصل ربط Maxim of Relation اصل شیوه Maxim of Manner اصل توالی رسایی	۱۱
جنسیت دستوری جنسیت‌گرایی زبانی	۱۲
فرضیه همبستگی زبانی hypothesis Interdependence	۱۳



واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات	ردیف
hypothesis threshold فرضیه آستانه زبانی	
لایه های درونی بند پیرو لایه های بیرونی بند پایه	۱۴
pragmaticalization کاربرد ی شدگی زنشی شدگی Shortening کوتاه شدگی Centralized مرکزی شدگی pairing جفت شدگی دستوری شدگی محمول شدگی سبک شدگی معنایی واژگان یشدگی غلتشدگی ناسوده شدگی سایشی شدگی Velarized نرم کامی شدگی واکه ای شدگی خیشومی شدگی Palatalized کامی شدگی خنثی شدگی دستوری شدگی بین ذهنی شدگی ذهنی شدگی	۱۵
Compulsory lengthening کاهش خوشه یا ساده سازی	۱۶
backformation پسین سازی	۱۷
morphological concatenation هم پیوندی ساخت واژی	۱۸
ذخیره واجی	۱۹
واج شناسی زایشی	۲۰
پاره گفتار	۲۱
covariates همپراش	۲۲
reification شی انگاری	۲۳
پیرنگ شروع داستان	۲۴
ریزساختار کلان ساختار	۲۵
comorbidity همبودی یا چندابتلائی	۲۶
Inter-rater reliability پایایی درون ارزیاب	۲۷
A category roots ریشه های بی مقوله	۲۸
فعل های سبک مقوله ساز	۲۹
دگر دیسی	۳۰
پدیدار شناختی	۳۱

واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات	ردیف
انگیتاری	۳۲
سببیت یا بهره کشی	۳۳
شبه ایستا	۳۴
ایستای محقق	۳۵
توزیعی همجوشی fusion	۳۶
اطنایی حاشیه ای	۳۷
مربع معناشناختی semantic square	۳۸
پساساخت گرایی	۳۹
آمیزش آمیزه قرصی	۴۰
استعاره های بدن مند	۴۱
وند افزایی واژه بست افزایی افزوده های وجهی قاعده افزایی پسوندا افزایی افزایش یا کاهش معنایی افزوده سازی افزوده های کمکی	۴۲
اندام واژه ها	۴۳
همخوان انسدادی	۴۴
ترانگاری Transkription تراگذرندگی	۴۵
طرح واژه های تصویری	۴۶
توانش گفتمانی توانش راهبردی	۴۷
غیرزایا	۴۸
خیشومی شدگی خیشومی نرمکامی	۴۹
کنش پریشی و خوانش پریشی خوانش وجودی خوانش نتیجه ای	۵۰
دستور ساخت شناختی Grammar Construction	۵۱
جنسیت دستوری دستور زبان جهانی دستورهای سنتی دستور پریشی استعاره دستوری اسم سازی دستوری شدگی اولیه دستوری شدگی ثانویه	۵۲

واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات	ردیف
زمان دستوری نظامی اشاری	
فرضیه آستانه زبانی hypothesis threshold	۵۳
ابژه گفته یا متن زبانی	۵۴
سرنمون	۵۵
صورت سازواره‌ای	۵۶
بیناصیغگانی همترازی درون صیغگانی	۵۷
کار گفت ها Acts Speech	۵۸
ریشه های بی مقوله A category roots	۵۹
مقوله تهی Empty Category Principle	۶۰
حالت بی نشان Case Unmarked نشانداری صوری چپ نشانی نشانه شناسی ساخت بی نشان کاهش نشانداری نمود ذهنی mental representation نمود کامل نمود ناقص نمود تام و غیر تام بازنمود صوری نمود واژگانی آینده‌ی نمودی نمود پیش نگر نمود درونی نمود موقعیتی مؤلفه وانمودی بودن	۶۱
نظام واکه‌ای تکواژه نظام مند system morpheme نظام های واژه بستنی clitic systems دستور نقشی - نظام مند دستور نظام مند نقش گرا نظام حالت و مطابقه نظام های صرفی زبان نظام مطابقه نظام های حالت پنجگانه کامری نظام وجهی زمان دستوری نظامی اشاری نظام ارزشی هم ریخت	۶۲
دیرش هجا	۶۳

ردیف	واژه های واژه های ترکیبی موجود در مقالات
۶۴	پساواژگانی postlexical وامگیری واژگانی lexical borrowing مدخل های واژگانی حالت دهی واژگانی Case Lexical با هم آیی واژگانی collocation واژگان ذهنی واژگانی شدن
۶۵	شبه واژه ناواژه اندام واژه واژه های نقشی واژه های محتوایی ناواژه گرا
۶۶	کاهش واکه ای کشش واکه واکه نرم افزاشته واکه رهیده نظام واکه ای واکه گرد میزان برجستگی واکه ای دیرش مناطق واکه ای غلتشدگی واکه واکه های مرکب فضای واکه ای space Vowel هماهنگی واکه ای واکه ای شدگی التقای واکه ها تناوب های واکه ای
۶۷	ورامعناهای مکالمه ای عام Generalized Conversational Implicatures GCIs ورامعناهای مکالمه ای خاص Particularized Conversational Implicatures PCIs

سوال پنجم پژوهش: به منظور استفاده نویسندگان مقالات نشریات علمی از واژگان مصوب فرهنگستان، چه راهکارهایی را می توان ارائه نمود؟

این سوال پژوهش از طریق مرور مطالعات پیشین و پرسشنامه با صاحب نظران پاسخ داده شد. عوامل مؤثر بر پذیرش واژه های مصوب فرهنگستان پس از مرور پژوهش های مرتبط، شناسایی و جمع بندی شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود.

المعی (۱۳۶۸) میزان مقبولیت یا جاافتادگی ۱۴۰ واژه علم فیزیک و نجوم مصوب فرهنگستان اول و دوم را که حدود ۲۰ واژه آن عمومی و به لحاظ قواعد ساختواژی زبان فارسی بدون اشکال بوده‌اند و کم و بیش به دور از تعصب فارسی‌گرایی افراطی ساخته شده‌اند و علی‌رغم داشتن زمان کافی برای جاافتادن، هنوز در میان عموم مردم جا نیفتاده‌اند، انتخاب و بررسی کرد. او عواملی چون تحمیل قالب واژه‌های بیگانه بر معادل فارسی، چندمعنا بودن یک واژه در واژه‌های مختلف، جنبه ادبی واژه‌های علمی، اختلاف زیاد ساخت آوایی میان زبان فارسی و زبانهای غربی را عوامل درون‌زبانی و تعصب در فارسی‌سازی و مشکلات فرهنگی جامعه را از عوامل برون‌زبانی می‌داند که روند پذیرش معادل‌ها را کند می‌کند. او همچنین در پایان، عامل زمان را یادآور می‌شود که در روند پذیرش معادل‌های فارسی بی‌تأثیر نیست.

ارباب سلیمانی (۱۳۷۶) ضمن تحلیل اصول واژه‌سازی، از طریق مصاحبه و به شیوه استقرایی ۲۲۲ واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را از نظر ساختار دستوری، تناسب معنایی و لزوم یا عدم لزوم معادل‌یابی برای آنها بررسی و میزان پذیرش یا رد واژه‌های معادل را ارائه کرده است. او بر این باور است که در صورت عدم پذیرش عموم مردم، باید در این واژه‌ها تجدیدنظر شود.

اشرفی (۱۳۷۶) با نگاهی به واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان‌ها از گذشته تاکنون، دلیل عدم موفقیت فرهنگستان‌ها را ساختن واژه‌های ناسازگار، نازیبا و دورازذهن دانسته است. او معتقد است مهمترین عامل نفوذ کلمات خارجی، در هر دوره، فخر و مباهات به تکلم و سخنگویی به زبان بیگانه غالب است و منشأ آن خودکم‌بینی اجتماعی است. اشرفی راه‌حل این مشکل را به روانشناسان اجتماعی محول کرده است.

گندمی (۱۳۸۰) با بیان اهمیت و نقش فرهنگستان زبان و ادب فارسی در واژه‌سازی و واژه‌گزینی و لزوم معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه، علل پذیرش یا عدم پذیرش واژه‌های مصوب و چگونگی برخورد مردم با این واژه‌ها را از طریق پرسشنامه و مصاحبه با ۵۰ نفر با تحصیلات دیپلم بررسی و راه حلی برای پذیرش آنها ارائه کرده است. او معتقد است سهولت تلفظ معادل فارسی، قابل فهم بودن، سادگی، کوتاهی، معنای مطابق یا بسیار نزدیک به واژه بیگانه، خوش‌آوایی، استفاده از واژه‌های پرکاربرد موجود در زبان و وجود هم‌خانواده‌های آن در زبان نقش اساسی در پذیرش دارند. او دلایل عدم پذیرش معادل‌های فارسی را عدم تناسب واژه معادل با واژه بیگانه، شباهت صوری و گفتاری، عدم توافق ساختار واژه معادل با ساختار زبان فارسی، عدم تداعی مفهوم و بلندی می‌داند.

پژوهش‌والی پور (۱۳۸۵) حاکی از این است که اقدام به موقع فرهنگستان در ارائه واژه‌های مصوب، شفافیت معنایی واژه‌های ارائه‌شده، خوش‌آهنگی واژه‌ها، کوتاهی و سادگی، آسان بودن تلفظ و اعتبار اجتماعی از جمله مهمترین دلایل پذیرش - اند. از دیگر نتایج این بررسی افزایش کاربرد توأمان واژه‌های مصوب و بیگانه همراه با افزایش سطح تحصیلات است.

تاجیک (۱۳۸۸) به بررسی فراوانی واژه‌های معادلسازی شده و معادلسازی نشده و میزان کاربرد واژه‌های مصوب فرهنگستان در کتاب درسی زیست‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش مؤلفان وزارت آموزش - و پرورش در این حوزه با تعداد زیادی از معادل‌های فارسی پیشنهادی فرهنگستان آشنا بوده‌اند، اما هنوز برخی از این واژه‌ها به کتاب‌های درسی راه نیافته‌اند.

محمودی (۱۳۸۸) کاربرد واژه‌های مصوب و قرضی در ترجمه متون تخصصی میان دانشجویان دکتری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که کاربرد واژه‌های قرضی بیشتر از واژه‌های مصوب بوده و دانشجویان دکتری تمایل بیشتری به استفاده از واژه های قرضی دارند. او معتقد است توجه گروه واژه‌گزینی به اطلاع‌رسانی و افزایش میزان آشنایی کاربران با این واژه‌ها می‌تواند به افزایش کاربرد بینجامد.

احمدی پور (۱۳۸۹) به بررسی عوامل برون زبانی مؤثر بر پذیرش نوواژه‌ها پرداخته است. او بر مبنای الگوی انتشار نوآوری‌های کوپر، مشکلات فرهنگی و عدم توجه مردم در بهکارگیری واژه های مصوب و همچنین تعصب برای فارسیسازی هم‌اصطالحها را از جمله عوامل برونزبانی عدم پذیرش نوواژه‌ها برمی‌شمارد و راهکارهایی برای کمک به تسریع پذیرش و انتشار نوواژه ها پیشنهاد میدهد. او معتقد است بدون نگرش موافق مردم هر جامعه ی زبانی، نمی‌توان انتظار کاربرد مکرر داشت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد بیشترین میزان کاربرد مربوط به معادل‌هایی است که زمان بیشتری از ابداع آنها می‌گذرد.

جمالی (۱۳۹۰) عملکرد شورای تخصصی واژه‌گزینی پزشکی را ارزیابی کرده و به طور خاص به دنبال یافتن جایگاه برخی از معادل های مصوب این رشته در میان جامعه پزشکی کشور بوده است. یافته‌های پژوهش او حاکی از آن است که واژه های مصوب در حوزه پزشکی هنوز نتوانسته‌اند جای خود را در میان جامعه پزشکی باز کنند. به عبارت دیگر میزان توافق و کاربرد واژه‌ها به سطح مطلوبی نرسیده است

درخشان (۱۳۹۲) برای بررسی نقاط قوت و ضعف فعالیت واژه‌گزینی فرهنگستان، دو پرسشنامه شامل پرسشهای تشریحی و ۲۰ پرسش چهارگزینه ای برای سنجش میزان آگاهی از فعالیتهای فرهنگستان و میزان آشنایی با واژه های مصوب را در میان ۶۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه شیراز توزیع کرده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد وامواژه‌ها نسبت به واژه های فرهنگستان بیشتر مورد توجه هستند و جافتاده‌ترند. همچنین تعداد اندکی از افراد با فرهنگستان آشنایی دارند. این تعداد افراد میزان موفقیت فرهنگستان را ناچیز میدانند و بر این باورند که برای استقبال و پذیرش بیشتر، استفاده از اصول زبانشناسی در واژه‌گزینی، توجه به نگرش عمومی مردم و کوتاهتر بودن واژه‌های پیشنهادی باید در دستور کار فرهنگستان قرار گیرد. او معتقد است آگاه کردن مردم از طریق رسانه‌ها نیز سبب آشنایی با فرهنگستان و استقبال بیشتر از واژه‌ها می‌شود.

شریفی (۱۳۹۵) میزان کاربرد معادل‌های مصوب حوزه روانشناسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بررسی کرده و دریافته است که معادل های مصوب به جامعه علمی روانشناسی به‌خوبی معرفی نشده‌اند. به عقیده او توجه گروه واژه‌گزینی روانشناسی فرهنگستان به اطلاع‌رسانی و افزایش میزان آشنایی کاربران زبان به ویژه استادان و دانشجویان این حوزه با این واژه‌ها می‌تواند به افزایش کاربرد بینجامد.

شیری (۱۳۹۶) معادل های حوزه نجوم فرهنگستان را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد در کنار رواج و کاربرد متواتر معادل‌های ازپیش تعیین شده توسط مترجمان و متخصصان این رشته، معادل‌های

مصوب در کارگروه نجوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی توانسته اند به خوبی جای خود را در میان مترجمان و اهل فن باز کنند و درصد قابل توجهی از میزان پذیرش کاربران را به خود اختصاص دهند.

تمیمی (۱۳۹۹) به توصیف، تحلیل و ارزیابی سازوکارهای واژه‌گزینی در گونه علمی زبان فارسی از مجلس آکادمی تا فرهنگستان سوم و در نهادهای رسمی و غیررسمی در این بازه زمانی پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش او نشان می‌دهد هر چند نهادهای رسمی و غیررسمی مورد پژوهش گرایش‌های گوناگونی در زمینه واژه‌گزینی داشته‌اند، اما همه به دنبال یک هدف متعالی یعنی توانمندسازی گونه علمی زبان فارسی بوده‌اند و با وجود کثرت رویه، وحدت نظر داشته‌اند.

یل شرز (۱۴۰۰) در پژوهش خود «دلایل سیاسی»، «توجه مردم به زبان فارسی» و «ضعف فرهنگستان در واژه‌گزینی» را از علل عدم استقبال از این واژگان دانست. سپس، با بهره‌گیری از مفاهیم نظری چون مدرنیت و روشنگری و با رویکردی تحلیلی- تطبیقی ضمن بررسی عوامل زمینه‌ساز رشد زبان‌های علمی اروپایی به مقایسه این زمینه‌ها با ترتیب فکری جامعه ایران در دوران تمدن اسلامی و دوران معاصر پرداخته و استدلال کرده است که علمی شدن زبان فارسی تنها با ترجمه اصطلاحات خارجی محقق نمی‌شود؛ بلکه، این امر منوط به تحقق شرایطی چون بسط گفتمان تولید علم در کشور و پرورش روحیه علمی است تا ذهنیت و روح علمی را در جامعه ایرانی بدمد تا زبان فارسی بتواند در بطن آن رشد یابد و به زبان علمی بدل گردد.

خداوردی و مقصودی (۱۴۰۱) به آسیب‌شناسی طرح جایگزینی واژگان بیگانه در کتب درسی با واژگان مصوب فرهنگستان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اکثر مصاحبه‌شوندگان (۹۷٪) به دلایلی چون ایجاد سردرگمی در مخاطبان، عدم هماهنگی در استفاده از واژگان مصوب در محیط‌های آموزشی و بین‌المللی بودن واژگان تخصصی موافق جایگزینی آن نبودند. براساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت فرهنگستان زبان و ادب پارسی ضمن تلاش مجدانه برای پاسداشت قوام زبان فارسی به عنوان زبان علم کشور می‌بایست به تدوین اصول و ضوابط واژه‌گزینی مختص اصطلاحات تخصصی در کم و کیف اجرای این طرح بازنگری نماید.

بهروز (۱۴۰۱) در مقاله خود به بررسی کمی و کیفی کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتابهای درسی شاخه نظری پرداخته است. بنا بر یافته‌های این تحقیق، بیشتر اشکالات در زمینه‌ی مناسبات هم‌نشینی بین واژگان و نیز ناهماهنگی در استفاده از طرز صحیح درج برابرها در کتابها بوده است. از منظر کمی نیز این موارد بیشتر شامل واژگان عمومی و با مفاهیم انتزاعی است تا واژگان تخصصی و عینی. بنابراین، لازم است که بیشتر کتابهای درسی در دایره‌ی توجه از نظر کاربرد مناسب این گروه از برابرها قرار گیرد.

با جمع‌بندی مطالب بالا و پاسخ صاحب‌نظران به پرسش‌نامه پژوهش؛ در پاسخ به این پرسش تحقیق راهکارهای زیر به منظور استفاده نویسندگان مقالات نشریات علمی از واژگان مصوب فرهنگستان، راهگشا خواهد بود:

با اتخاذ تدابیر و برنامه‌های حمایتی می‌توان میزان پذیرش را تقویت نمود تا با گذشت زمان از تعداد کاربران معادل‌های بیگانه کاسته و بر استفاده‌کنندگان از معادل‌های فارسی افزوده شود. برای رسیدن به این هدف برنامه‌های مختلفی را می‌توان طراحی و نتایج هر کدام را بررسی کرد.

## ۱- بالا بردن حساسیت افراد جامعه

با افزایش حساسیت افراد جامعه و به ویژه اهل علم به زبان فارسی و بسط گفتمان تولید علم در کشور و پرورش روحیه علمی، می‌توان ذهنیت و روح علمی را در جامعه ایرانی دمید تا زبان فارسی بتواند به زبان علمی بدل گردد. همچنین بالا بردن عرق ملی از طریق افزایش اطلاع‌رسانی از طریق نهادهای اجرایی چون صداوسیما، آموزش و پرورش و نشریات علمی؛ در عصر تکنولوژی و دنیای رقابتی امروز، عوامل مختلفی در نهادینه کردن واژگان عمومی و تخصصی تاثیرگذار است. مهمترین نهادهای حیاتی و محوری این مهم؛ آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نشریات علمی که وظیفه اطلاع‌رسانی و تبلیغ بیشتر برعهده آنها است می‌باشند تا از این طریق زبان فارسی را از آسیب‌های ناشی از نفوذ واژگان بیگانه و خطاهای کاربردی پالایش نمایند. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با میلیون‌ها کاربر فارسی‌زبان در نهادینه کردن واژگان مصوب نقش مهمی دارند. آموزش و پرورش نیز یکی از بازوهای اجرایی مهم است که در کاربردی کردن واژگان مصوب از طریق کتاب‌های درسی و استفاده معلمان و دست‌اندرکاران این حوزه می‌تواند سهم عظیمی را برعهده‌گیرد. نظارت بر کتاب‌های تالیفی و دقت نظر در استفاده از واژگان مصوب در مقابل معادل بیگانه آن حائز اهمیت است. نقش دانشگاهیان نیز در فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از زبان فارسی و پاسداری از آن پررنگ می‌باشد. کارمندان، استادان و دانشجویان در شفاف‌سازی فعالیت‌های فرهنگستان در حوزه واژه‌گزینی و واژه‌سازی مؤثر می‌باشند. همچنین نشریات علمی در انتشار، تثبیت و ترویج زبان علم بومی از طریق انتشار مقالات علمی نقش اساسی را ایفا می‌کنند. بنابراین اطلاع‌رسانی و آگاه‌کردن کاربران از طریق نهاد های اجرایی گام اصلی در استفاده از واژگان مصوب است. در اصل حفظ زبان فارسی و جلوگیری از گسترش واژه‌های بیگانه مانند حفظ محیط زیست باید بخشی از برنامه‌های توسعه پایدار باشد. در واقع نهادهای اجرایی مذکور به عنوان پل ارتباطی میان مردم و فرهنگستان باید عمل نمایند و به ترویج واژه‌های مصوب بپردازند.

## ۲- سرعت عمل گروه واژه‌گزینی

یکی دیگر از راهکارهایی که می‌توان میزان کاربرد واژه مصوب را افزایش داد زمان ارائه معادل‌های فارسی و سرعت عمل در امر واژه‌گزینی است. گروه واژه‌گزینی باید قبل از اینکه معادل بیگانه در جامعه رسوخ پیدا کند اقدام به موقع نموده و از گنجینه واژگان فارسی معادل مصوب را تصویب و سپس اطلاع‌رسانی و تبلیغ نماید. بنابراین اقدام به موقع فرهنگستان در ارائه واژه‌های مصوب از جمله مهمترین دلایل پذیرش است هرچند که میزان جاافتادگی و پذیرش واژه‌ها تابعی از زمان است. همچنین گروه واژه‌گزینی لازم است تا نگرش عمومی مردم توجه داشته و کوتاه‌تر بودن واژه‌های پیشنهادی را در دستورکار خود قرار دهند.



۳- الزام اساتید و دانشجویان به عدم استفاده از واژه بیگانه ای که معادل فارسی آن در فرهنگستان به تصویب رسیده است. یکی از راه‌های دیگر میزان جافتادگی واژگان مصوب فرهنگستان استفاده اساتید و دانشجویان در سخنرانی هنگام صحبت کردن درباره آن واژه و همچنین در مقالات علمی است.

۴- الزام به کارگیری واژه‌های مصوب برای چاپ مقاله هیئت تحریریه نشریه لازم است تا فهرستی از معادل‌های مصوب حوزه مرتبط علمی در سایت یا صفحاتی از مجله را برای اطلاع‌رسانی به نویسندگان ارائه دهد و پذیرش مقاله را به رعایت مصوبات فرهنگستان منوط سازد.

### سوال ششم پژوهش: میزان آشنایی، کاربرد و موافقت با برخی از معادل‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زبان شناسی در بین جامعه دانشگاهی چگونه است؟

در جدول (۸) میزان آشنایی، کاربرد و موافقت با برخی واژه‌های مصوب حوزه زبان‌شناسی به تفکیک نشان داده شده است. در قسمت اول این جدول میزان آشنایی مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که ملاحظه می‌شود در مجموع ۷ درصد افراد با واژه‌ها آشنایی نداشته و ۹۳ درصد با واژه‌ها آشنا بوده‌اند. کمترین آشنایی با واژه‌های دوگانک (۹۹ درصد)، گیرش (۹۲ درصد)، چم (۸۹ درصد)، کوتاه‌نوشت (۴۹ درصد)، گذرا (۴۴ درصد)، ناگذر (۴۴ درصد)، برایی (۳۷ درصد)، کنش (۳۵ درصد) می‌باشد.

در قسمت دوم این جدول میزان کاربرد واژه‌ها نشان داده شده است. در مجموع ۷ درصد واژه‌ها کاربرد نداشته‌اند. کمترین کاربرد مربوط به واژه‌های دوگانک (۹۸ درصد)، ترانوش (۸۴ درصد)، ترانویسی (۸۲ درصد)، صامت و مصوت (۷۵ درصد)، کنش (۷۲ درصد)، زنشی (۶۹ درصد)، چاکنایی (۶۵ درصد)، شناسه (۶۴ درصد)، صرف (۶۲ درصد)، برایی (۵۲ درصد) و دشواژه (۴۹ درصد) می‌باشد.

در بخش سوم جدول فوق میزان توافق بر سر واژه‌ها نشان داده شده است. در مجموع ۱۵ درصد افراد بر سر واژه‌ها توافق نداشته و ۸۵ درصد بر سر واژه‌ها توافق داشته‌اند. کمترین توافق بر سر واژه‌های صامت (۸۸ درصد)، مصوت (۸۸ درصد)، صرف (۸۰ درصد)، دوگانک (۶۲ درصد)، چم (۵۳ درصد)، ترانویسی (۵۰ درصد) و ترانوش (۴۷ درصد) می‌باشد.

جدول ۸: میزان آشنایی، کاربرد و موافقت با برخی از معادل‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زبان شناسی

موافقت			کاربرد			اطلاع			واژه	
کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد		
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۰	۴۰	۶۰	۱۹	۴۱	فراوانی	آغازش
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۴	%۶۶	%۱۰۰	%۳۱	%۶۹	درصد	
۶۰	.	۶۰	۶۰	۲۷	۴۳	۶۰	۱۵	۴۵	فراوانی	آهنگ (تکیه)
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۲۹	%۷۱	%۱۰۰	%۲۵	%۷۵	درصد	

موافقت			کاربرد			اطلاع			واژه	
کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد		
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳۱	۲۹	۶۰	۲۲	۳۸	فراوانی	برای
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۵۲	%۴۸	%۱۰۰	%۳۷	%۶۳	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۷	۵۳	۶۰	۲	۵۸	فراوانی	بن‌واژه
%۱۰۰	۰	۶۰	%۱۰۰	%۱۲	%۸۸	%۱۰۰	%۴	%۹۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۵	۴۵	۶۰	۹	۵۱	فراوانی	ستاک
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۲۵	%۷۵	%۱۰۰	%۱۵	%۸۵	درصد	
۶۰	۵	۵۵	۶۰	۱۶	۴۴	۶۰	۱۶	۴۴	فراوانی	پایانه
%۱۰۰	%۹	%۹۱	%۱۰۰	%۲۷	%۷۳	%۱۰۰	%۲۷	%۷۳	درصد	
۶۰	۲۸	۳۲	۶۰	۵۰	۱۰	۶۰	۴۳	۱۷	فراوانی	ترانوش
%۱۰۰	%۴۷	%۵۳	%۱۰۰	%۸۴	%۱۶	%۱۰۰	%۷۲	%۲۸	درصد	
۶۰	۳۰	۳۰	۶۰	۴۹	۱۱	۶۰	۳۹	۲۱	فراوانی	ترانویسی
%۱۰۰	%۵۰	%۵۰	%۱۰۰	%۸۲	%۱۸	%۱۰۰	%۶۵	%۳۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱	۵۹	فراوانی	تکواژ
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰		%۱۰۰	%۱۰۰	%۲	%۹۸	درصد	
۶۰	۳	۵۷	۶۰	۱۵	۳۵	۶۰	۸	۵۲	فراوانی	تکیه
%۱۰۰	%۵	%۹۵	%۱۰۰	%۴۲	%۵۸	%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	درصد	
۶۰	۹	۵۱	۶۰	۴۶	۱۴	۶۰	۱۱	۴۹	فراوانی	توانش زبانی
%۱۰۰	%۱۵	%۸۵	%۱۰۰	%۳۷	%۲۳	%۱۰۰	%۱۹	%۸۱	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۷	۳۳	۶۰	۷	۴۳	فراوانی	زایا
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۴۵	%۵۵	%۱۰۰	%۲۹	%۷۱	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۷	۳۳	۶۰	۷	۴۳	فراوانی	زایایی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۴۵	%۵۵	%۱۰۰	%۲۹	%۷۱	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳۳	۲۷	۶۰	۲۲	۳۸	فراوانی	چاکنایی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۶۵	%۴۵	%۱۰۰	%۲۷	%۶۳	درصد	
۶۰	۳۲	۱۸	۶۰	۵۵	۵	۶۰	۵۳	۷	فراوانی	چم
%۱۰۰	%۵۳	%۲۷	%۱۰۰	%۹۱	%۰۹	%۱۰۰	%۸۹	%۱۱	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۳	۳۷	۶۰	۱۳	۴۷	فراوانی	خیشوم
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۹	%۶۱	%۱۰۰	%۲۲	%۷۸	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۱	۳۹	۶۰	۸	۵۲	فراوانی	خوانش‌پریش
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۵	%۶۵	%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۱	۳۹	۶۰	۸	۵۲	فراوانی	خوانش‌پریشانه
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۵	%۶۵	%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲	۵۸	فراوانی	خوشه
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰		%۱۰۰	%۱۰۰	%۴	%۹۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۹	۳۱	۶۰	۱۷	۴۳	فراوانی	دشواژه

موافقت			کاربرد			اطلاع			واژه	
کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد		
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۴۹	%۵۱	%۱۰۰	%۲۹	%۷۱	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۴	۴۶	۶۰	۵	۵۵	فراوانی	زیرشمول
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۲۴	%۷۶	%۱۰۰	%۹	%۹۱	درصد	
۶۰	۱۲	۴۸	۶۰	۴۱	۱۹	۶۰	۱۳	۴۷	فراوانی	زنشی
%۱۰۰	%۲۰	%۸۰	%۱۰۰	%۶۹	%۳۱	%۱۰۰	%۱۲	%۷۸	درصد	
۶۰	۳۷	۲۳	۶۰	۵۹	۱	۶۰	۵۹	۱	فراوانی	دوگانگ
%۱۰۰	%۶۲	%۳۸	%۱۰۰	%۹۸	%۲	%۱۰۰	%۱	%۹۹	درصد	
۶۰	۱۱	۴۹	۶۰	۲۷	۳۳	۶۰	۱۵	۴۵	فراوانی	دیرش
%۱۰۰	%۱۹	%۸۱	%۱۰۰	%۴۵	%۵۵	%۱۰۰	%۲۵	%۷۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	فراوانی	رده‌شناسی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰		%۱۰۰	%۱۰۰	%۰	%۱۰۰	درصد	
۶۰	۴	۵۶	۶۰	۱۲	۴۸	۶۰	۴	۵۶	فراوانی	سایش
%۱۰۰	%۰۷	%۹۳	%۱۰۰	%۲۰	%۸۰	%۱۰۰	%۷	%۹۳	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۹	۴۱	۶۰	۳	۵۷	فراوانی	سرواژه‌سازی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	۳۲%	%۶۸	%۱۰۰	%۵	%۹۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳۸	۲۲	۶۰	۱۲	۴۸	فراوانی	شناسه
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۶۴	%۳۶	%۱۰۰	%۲۰	%۸۰	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۴۳	۱۷	۶۰	۲۱	۳۹	فراوانی	کنش
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۷۲	%۲۸	%۱۰۰	%۳۵	%۶۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۴۳	۱۷	۶۰	۲۱	۳۹	فراوانی	کنشگر
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۷۲	%۲۸	%۱۰۰	%۳۵	%۶۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۹	۴۱	۶۰	۸	۵۲	فراوانی	کوتاه‌سازی
%۱۰۰		%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۲	%۶۸	%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۹	۴۱	۶۰	۲۹	۳۱	فراوانی	کوتاه‌نوشت
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۲	%۶۸	%۱۰۰	%۴۹	%۵۱	درصد	
۶۰	۸	۵۲	۶۰	۳۵	۲۵	۶۰	۲۶	۳۴	فراوانی	گذرا
%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	%۱۰۰	%۵۹	%۴۱	%۱۰۰	%۴۴	%۵۶	درصد	
۶۰	۴۸	۱۲	۶۰	۲۳	۳۷	۶۰	۰	۶۰	فراوانی	صرف
%۱۰۰	%۸۰	%۲۰	%۱۰۰	%۳۸	%۶۲	%۱۰۰	۰%	%۱۰۰	درصد	
۶۰	۱۳	۴۷	۶۰	۵۸	۲	۶۰	۵۵	۵	فراوانی	گیرش
%۱۰۰	%۲۲	%۷۸	%۱۰۰	%۹۶	%۰۴	%۱۰۰	%۹۲	%۰۸	درصد	
۶۰	۸	۵۲	۶۰	۳۵	۲۵	۶۰	۲۶	۳۴	فراوانی	ناگذر
%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	%۱۰۰	%۵۹	%۴۱	%۱۰۰	%۴۴	%۵۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳	۵۷	فراوانی	گرده‌برداری
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۵	%۹۵	درصد	

موافقت			کاربرد			اطلاع			واژه	
کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد	کل	ندارد	دارد		
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۶	۴۴	۶۰	۱۲	۴۸	فراوانی	گشتار
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۲۷	%۷۳	%۱۰۰	%۲۰	%۸۰	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۳	۴۷	۶۰	۹	۵۱	فراوانی	واگرایی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۵۲	%۷۸	%۱۰۰	%۱۵	%۸۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۸	۴۲	۶۰	۶	۵۴	فراوانی	جزءواژگی
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۰	%۷۰	%۱۰۰	%۱۰	%۹۰	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳۲	۲۸	۶۰	۲۲	۳۸	فراوانی	پیش‌انگاشت
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۵۴	%۴۶	%۱۰۰	%۱۷	%۶۳	درصد	
۶۰	۵۳	۷	۶۰	۴۵	۱۵	۶۰	۱	۵۹	فراوانی	صامت
%۱۰۰	%۸۸	%۱۲	%۱۰۰	%۷۵	%۲۵	%۱۰۰	%۱	%۹۹	درصد	
۶۰	۵۳	۷	۶۰	۴۵	۱۵	۶۰	۱	۵۹	فراوانی	مصوت
%۱۰۰	%۸۸	%۱۲	%۱۰۰	%۷۵	%۲۵	%۱۰۰	%۲	%۹۸	درصد	
۶۰	۵	۵۵	۶۰	۴۶	۱۴	۶۰	۱۴	۴۶	فراوانی	نمود
%۱۰۰	%۰۹	%۹۱	%۱۰۰	%۷۷	%۲۳	%۱۰۰	%۱۴	%۷۶	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۶	۴۴	۶۰	۱۵	۴۵	فراوانی	همخوان
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۲۷	%۷۳	%۱۰۰	%۱۵	%۷۵	درصد	
۶	۰	۶۰	۶۰	۲۱	۳۹	۶۰	۱۶	۴۴	فراوانی	هسته
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۵	%۶۵	%۱۰۰	%۲۷	%۷۳	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۲۳	۳۷	۶۰	۷	۵۳	فراوانی	ساختواژه
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۳۹	%۶۱	%۱۰۰	%۱۲	%۸۸	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۳۵	۲۵	۶۰	۹	۵۱	فراوانی	واکه
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۵۹	%۴۱	%۱۰۰	%۱۵	%۸۵	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	۶۰	۰	۶۰	فراوانی	وام‌گیری
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰		۶۰	%۱۰۰	%۰	%۱۰۰	درصد	
۶۰	۰	۶۰	۶۰	۱۰	۵۰	۶۰	۸	۵۲	فراوانی	وند
%۱۰۰	۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۷	%۸۳	%۱۰۰	%۱۴	%۸۶	درصد	

## بحث و نتیجه گیری

## مقدمه

همان‌گونه که مشخص شد هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی واژه‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زبان شناسی در ۱۰ نشریه علمی زبان شناسی است. در این فصل با نگاهی کلی نسبت به آنچه که در فصل‌های پیشین مطرح شد نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر بررسی می‌شود.

## مروری بر کلیات پژوهش

در این پژوهش به ارزیابی میزان کاربرد معادل‌های فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مجلات علمی زبان شناسی پرداخته شده است. این پژوهش در چهار بخش گردآوری و تنظیم شده است. - در فصل اول به موضوع مورد بررسی، هدف اصلی از انجام پژوهش، روش پژوهش و پرسش‌های مد نظر پرداخته شد. - در فصل دوم ابتدا دیدگاه صاحب‌نظران و زبانشناسان مختلف را در رابطه با معادل‌سازی و واژه‌گزینی، تحت عنوان مروری بر پژوهش‌های گذشته مطرح شده است و سپس به معرفی فرهنگستان و اهداف و وظایف آنها پرداخته شده است. در بخشی دیگر تحت عنوان "چارچوب نظری تحقیق" مطالبی در رابطه با بسامد، اصطلاح، قرض‌گیری، هزارواژه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی و واژه‌گزینی آورده شده است. فصل سوم شامل توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد. در این فصل داده‌های گردآوری شده، دسته‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از گردآوری مطالب گذشته دسته‌بندی شده‌اند و به صورت جدول نشان داده شده‌اند. در ادامه به نتایج جداول پرداخته شده است و از این طریق، نتایج حاصل تحقیق بیان شده است. فصل چهارم این رساله نیز به بیان نتایج کلی تحقیق و در واقع پاسخ به سوال‌های اساسی تحقیق که در فصل اول ذکر شده‌اند، پرداخته و سپس دستاوردهای نظری تحقیق را بیان کرده است. در نهایت در این بخش، با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، میزان موفقیت یا عدم موفقیت فرهنگستان با ذکر دلیل بیان خواهد شد.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

واژه‌گزینی در حوزه‌ی زبان‌شناسی، از دفتر اول فرهنگستان شروع شد و تا دفتر پانزدهم ادامه دارد. ۱۳۸۲ واژه در این حوزه تصویب شده است. استفاده از واژه‌های مصوب در مجلات موردبررسی بیش از ۸۰۰ واژه است که بنابراین بیشتر واژه‌های مصوب فرهنگستان در مجلات موردبررسی به کار رفته است. همچنین پربسامدترین واژه‌ها به حوزه معناشناسی تعلق دارد. در نهایت می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که ۱- نویسندگان مقالات زبان‌شناسی با تعداد زیادی از معادل‌های فارسی مصوب فرهنگستان آشنایی دارند و کاربرد واژه‌های مصوب در مقالات این حوزه، بیشتر از

واژه‌هایی است که مؤلفین خود با سلیقه و ذوق خود به ترجمه آن واژه‌ها پرداخته‌اند و میزان کاربرد این واژه‌های سلیقه‌ای بسیار کم است. بر اساس نتایج بدست آمده، نشریات حوزه زبان شناسی عملاً در شناساندن و ترویج واژه‌های مصوب موفق بوده‌اند. بنابراین نقش نشریات در معرفی و جا انداختن معادل‌های فارسی علمی حائز اهمیت است و فرهنگستان به همکاری آن‌ها نیاز دارد. چنانچه در فصل‌های پیشین ملاحظه شد درصد کمی از کل واژه‌های معادل‌سازی شده در مقالات لحاظ نشده‌است. که نتایج این پژوهش با نتایج شیری (۱۳۹۶) و تاجیک (۱۳۸۸) همخوانی دارد اما با پژوهش‌های محمودی (۱۳۸۸)، شریفی (۱۳۹۵)، احمدی نسب (۱۳۹۸) مغایر است.

همچنین در این پژوهش به عوامل مؤثر بر پذیرش واژه‌های مصوب فرهنگستان، پس از مرور پژوهش‌های مرتبط و پرسشنامه، پرداخته شد. اولین گام برای افزایش میزان پذیرش واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان از سوی جامعه و استفاده از معادل‌های فارسی به جای لغت‌ها و اصطلاحات بیگانه، افزایش آگاهی مردم نسبت به واژگان مصوب از طریق رسانه‌های جمعی مانند صدا و سیما، مجلات علمی و غیر علمی و... است. همچنین سرعت عمل فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این امر بی تأثیر نیست. رضایت کاربران از کیفیت معادل‌های فارسی، الزام اساتید و دانشجویان در استفاده از واژگان مصوب از طریق نشریات تخصصی از عوامل مؤثر بر پذیرش معادل‌های فارسی هستند.

در نهایت نتایج این تحقیق نشان داد که فرهنگستان زبان و ادب فارسی تا حدود زیادی توانسته است بر نویسندگان مقالات نشریات زبان شناسی تاثیر بگذارد و آنها را به استفاده از معادل‌های فارسی ترغیب نماید. با بررسی ۵۰۰ مقاله از مجلات این حوزه مشخص گردید بیش از ۹۰٪ پژوهشگران این حوزه از معادل‌های مصوب فرهنگستان استفاده می‌کنند این امر بیانگر این نکته است که نویسندگان این حوزه ضرورت و اهمیت استفاده از معادل‌های فارسی بجای واژه‌های بیگانه را به خوبی درک کرده‌اند و آن را در نوشته‌های خود به کار می‌برند. اگر چه در برخی موارد واژگانی نیز مشاهده گردید که با وجود داشتن معادل فارسی از واژه بیگانه استفاده شده است مانند واژه‌هایی نظیر گرامر، تابو، توپولوژی، دیالکتیک و... مدرس (۱۹۹۰) دلایل استفاده از واژگان بیگانه را چنین ذکر می‌کند "به نظر می‌رسد که فرهنگستان مورد حمایت دیگر نهادهای دولتی و رسانه‌ها و سیستم‌های آموزشی قرار نمی‌گیرد. در حالی که معرفی و استفاده گسترده معادل‌های فارسی پیشنهادی فرهنگستان توسط رسانه‌های گروهی و سازمان‌های دولتی می‌تواند بر میزان پذیرفته شدن این معادل‌ها بین مردم سرعت ببخشد."

بنابراین یکی از عوامل تاثیرگذار در استفاده کاربران از واژگان مصوب عمومی و تخصصی فرهنگستان، حمایت رسانه‌ها و نهادهای دولتی از این واژگان است. نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نشریات علمی جزء رسانه‌های مهم کشور هستند که در نهادینه کردن واژگان علمی مصوب فرهنگستان نقش بسزایی دارند. از آنجا که خوانندگان این مجلات؛ پژوهشگران و دانشجویان هستند بنابراین الزام استفاده از واژگان مصوب توسط این گروه ضروری به نظر می‌رسد. مورد دیگری که نباید آن را نادیده گرفت این است که بسیاری از مطالب مقالات، در واقع ترجمه مطالب سایر منابع خارجی هستند بنابراین می‌توان از میزان تعهد مترجم در مقالات علمی مختلف، نسبت به استفاده از معادل‌های فارسی بجای واژه‌های بیگانه نیز به عنوان یکی از عوامل افزایش و یا کاهش آمار کاربرد معادل پیشنهادی فرهنگستان در مجلات، یاد کرد.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که هیچ بخشنامه یا دستورالعملی که نشریات را به استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان ملزم کند وجود ندارد و هیچ کدام از نشریات از لحاظ قانونی خود را موظف به استفاده از معادل های فارسی در مطالب خود، نمی دانند. بر هیچکس پوشیده نیست که اگر استفاده از واژه های بیگانه‌ای که دارای معادل فارسی هستند و کارشناسان نیز آن معادل ها را تأیید کرده اند، منع قانونی داشته باشد، یکدست سازی در ارائه واژگان مصوب رخ خواهد داد و این امر به نوبه خود در بازیابی اطلاعات مؤثر است. در نتیجه شاید بتوان دلایل ذیل را به عنوان عوامل مهم در استفاده کاربران از واژه‌های مصوب فرهنگستان ذکر کرد.

۱- گذر زمان به منظور ترویج و تثبیت واژه مصوب

۲- همکاری رسانه‌ها خصوصاً صدا و سیما در به‌کارگیری معادل‌های فارسی واژگان عمومی و اختصاصی بجای واژه‌های بیگانه و همینطور همکاری آموزش و پرورش و مؤلفان کتاب‌های درسی. در واقع بهتر است که استفاده از کلمات تخصصی در حوزه علوم مختلف از سال‌های ابتدایی تحصیل شروع شود. گنجاندن این معادل‌ها در کتاب‌های مقاطع راهنمایی و دبیرستان می‌تواند در ترویج و تثبیت این کلمات در سال‌های بعدی تحصیل بسیار مؤثر باشد. البته نباید نقش فرهنگستان را در نوع معادل‌گزینی‌ها نیز نادیده گرفت. در واقع عدم تناسب واژه مصوب با واژه بیگانه یکی از علت‌های عدم کاربرد کلمات مصوب می‌شود.

۳- تعهد مترجمان به استفاده از معادل های مصوب فرهنگستان

۴- وجود تناسب واژه معادل با واژه بیگانه

نکته دیگری که درخور تأمل است به کاربردن دو معادل هم معنی در کتاب هزارواژه است (معادل عربی و معادل فارسی) در واقع بهتر است برای جلوگیری از تشبث و پراکندگی و همچنین تثبیت و ترویج واژه مصوب فارسی در ذهن کاربران که در نهایت امر به یکدست سازی و بازیابی بهتر اطلاعات منجر خواهد شد از ابتدای امر همان واژه مصوب در کتاب هزار واژه ذکر گردد. برای نمونه واژگان (لازم و متعدی) هردو با وجود واژه مصوب فارسی آن ( ناگذر و گذرا ) در کتاب هزارواژه قید شده است. همچنین برای واژگان (صامت، مصوت، صرف و اختصار ) که گروه واژه‌گزینی برای این واژگان به ترتیب، واژگان (همخوان، واکه، ساختواژه و کوتاه‌نوشت) را تصویب کرده است در این کتاب مشاهده می‌شود.

در پایان باید گفت: نتایج حاصل از مطالعه حاضر در ارتباط با استفاده نشریات علمی زبان‌شناسی از واژگان تخصصی این حوزه؛ بیانگر این مطلب بوده که میزان کاربرد این واژگان تا حدود بسیاری به دلیل آشنایی متخصصان این رشته با کلمات و معادل‌های ساخته شده می‌باشد. تنها برخی واژگان تخصصی با شکل نوشتاری معادل بیگانه به چشم می‌خورد که می‌توان با اطلاع رسانی از طریق رسانه‌های جمعی و متخصصان؛ استفاده از واژگان بیگانه را به حداقل ممکن رساند. در واقع تدوین شیوه نامه نگارش فارسی با توجه به واژگان مصوب فرهنگستان توسط نشریات علمی مثمر ثمر خواهد بود. در واقع نشریات علمی یکی از بازوهای اجرایی و تأثیرگذار است که می‌تواند در نهادینه کردن واژگان مصوب علمی با فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشارکت و همکاری نماید. با توجه به اینکه جافتادن واژه‌های مصوب در بلندمدت به بار می‌نشیند پیشنهاد می‌شود که با تدوین شیوه‌نامه یا راهنمای جستجو واژه مصوب به جای واژه بیگانه در سایت نشریات علمی، کاربران و



نویسندگان مقالات را به منظور استفاده از واژه مصوب راهنمایی کند تا در نهایت به یکدست سازی در استفاده از واژگان مصوب منجر شود.

## پیشنهادات

### الف: پیشنهادهای کاربردی

- ۱- تدوین دستورالعمل استفاده از واژه‌های مصوب توسط کمیسیون نشریات علمی مبنی بر استفاده از معادل‌های فارسی بجای واژه‌های بیگانه؛ برای مثال تخصیص یک نوار تبلیغی در سایت مجلات تخصصی از واژگان مصوب رشته مربوطه، در واقع تجهیز اصطلاحنامه واژگان مصوب در سایت تخصصی مجله می‌تواند راهنمایی برای کاربران باشد تا از به کار بردن ریخت‌های مختلف واژه جلوگیری گردد. بنابراین ایجاد چنین تمهیداتی برای آموزش و راهنمایی نویسندگان مقالات راهکار دیگری در ترویج و تثبیت واژگان مصوب است.
- ۲- الزام نویسندگان توسط داوران مقالات علمی در به کار بردن واژه‌های مصوب به جای واژگان بیگانه به منظور ترویج و تثبیت واژگان علمی مصوب و منوط کردن پذیرش مقاله به رعایت این امر.

### ب: پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

- ۱- باتوجه به پویا بودن زبان و محسوس بودن تغییر در واژه‌ها به مرور زمان، می‌توان میزان کاربرد مصوبات فرهنگستان را در حوزه های تخصصی دیگر، همچنین در گفتار، زبان سخنرانی‌ها، همایش‌ها و برنامه‌های علمی صدا و سیما بررسی کرد.
- ۲- بررسی میزان پایبندی مقامات دولتی کشور به استفاده از واژگان مصوب فرهنگستان نیز می‌تواند موضوع پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی باشد.
- ۳- نقش زمان در ترویج و تثبیت واژگان مصوب بسیار حائز اهمیت است. می‌توان در پژوهشی جدید، پژوهش‌های پیشین را که واژگان مصوب در آنها به ندرت استفاده شده است بررسی نمود و نتایج آن را با یکدیگر مقایسه نمود تا به صحت یا سقم این قضیه پی برده شود.

## منابع

- احمدی نسب، فاطمه (۱۳۹۸) بررسی و نقد نشریات حوزه پزشکی در به کارگیری واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی براساس فرهنگ هزارواژه پزشکی، مطالعات واژه‌گزینی، شماره (۲ و ۳)، صص ۲۱۷ - ۲۴۴.
- احمدی نسب، فاطمه، شعله ارسطوپور (۱۳۹۴) بررسی فرآیندهای واژه‌گزینی اصطلاح‌ها و واژگان تخصصی حوزه‌ی علم اصطلاحات و دانش‌شناسی، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۲۴۵-۲۶۲.
- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۸۹) بررسی عوامل برون‌زبانی مؤثر بر پذیرش نوواژه‌ها. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱ (۱)، ۱۰۷ - ۷۵.
- ارباب سلیمانی، صدیقه (۱۳۷۶) تحلیل اصول واژه‌سازی با بررسی واژه‌های جدید مصوب فرهنگستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- اشرفی، ثمره (۱۳۷۶) فرهنگستان‌ها از گذشته تاکنون، با نگاهی به واژه‌های پیشنهادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.
- اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات (۱۳۸۸) تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- باطنی، محمدرضا و گروه نویسندگان و مترجمان (۱۳۸۱) زبان و جامعه‌شناسی. گزیده مقالات مجله فرهنگ و زندگی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهروز، زیبا (۱۴۰۱) بررسی کمی و کیفی کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتاب‌های درسی شاخه نظری، پژوهش‌های زبانی، ۱۳ (۱)، ۲۹-۱.
- پاول، لودویک (۱۳۸۳) بررسی واژه‌های فرهنگستان اول، نامه فرهنگستان. دوره ۷، ش ۱، مهر ۱۳۸۳، صص ۲۳۹ - ۲۴۳.
- تاجیک، پونه (۱۳۸۸). بررسی واژه‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زیست‌شناسی در کتاب درسی زیست-شناسی دوره پیش‌دانشگاهی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- تمیمی، لادن (۱۳۹۹). سازوکارهای واژه‌گزینی در گونه علمی فارسی از مجلس آکادمی تا فرهنگستان سوم، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- جمالی، مریم (۱۳۹۰) بررسی میزان مقبولیت واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم پزشکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۵)، بحثی در سیاست علمی کشور و جایگاه فرهنگستان‌ها، به‌ویژه فرهنگستان زبان و
- حبیبی، حسن (۱۳۸۷) سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تاکنون. نامه فرهنگستان ۱۰ (۱)، ۲۷.

- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۲) درآمدی بر واژه‌گزینی مردمی. مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آثار: ۳۶۷ - ۳۷۲.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۴). بیست و پنج سالگی فرهنگستان. نامه فرهنگستان ۱۴ (۴): ۲ - ۱۳
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۵). چرا واژه‌گزینی ضرورت دارد؟. ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (۱): ۱۷ - ۲۷.
- حسابی، محمود. (۱۳۵۰). «توانایی زبان فارسی». انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱، ۱۰۱.
- خدامرادی، ابوالفضل، مقصودی، مجتبی (۱۴۰۱) آسیب‌شناسی طرح جایگزینی واژگان بیگانه در کتب درسی با واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مطالعات زبان و ترجمه، ۳ (۵۵)، ۳۱-۶۳.
- حسین‌پور طوسی، ثریا (۱۳۹۳) بررسی واژگان و نوواژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه هوانوردی بازرگانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۲) جایگاه واژه‌گزینی در نظریه برنامه‌ریزی زبان. مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آثار: ۱۷ - ۳۷
- درخشان، شیرین (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم زبان و ادب فارسی از نظر بخشی از دانشگاهیان دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۵)، مطالعات واژه‌گزینی. ویژه‌نامه « واژه در قیاس با » اصطلاح «، بحثی در چیستی - نامه فرهنگستان، ۴۴ - ۷۱.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۵) تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روستایی، محسن (۱۳۸۵). تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گمشده فرهنگستان (۱۳۱۴ - ۱۳۲۰)، تهران: نی.
- زرنیخی، ابوالفضل (۱۳۸۱) ضرورت‌های علمی واژه‌سازی در زبان فارسی: بررسی موردی اصطلاحات فیزیک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساغروانیان، سیدجلیل (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، مشهد: نشر نما
- سمائی، فرشید (۱۳۸۲) مکاتب اصطلاح‌شناسی و گرایش‌های فرهنگستان سوم. مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آثار.
- سمیعی‌گیلانی، احمد (۱۳۷۴)، سابقه فرهنگستان در ایران، نامه فرهنگستان، ۱۱: صص ۱۳۶ - ۱۴۳.
- شریفی، سیما (۱۳۹۵) بررسی میزان کاربرد اصطلاح‌های تخصصی حوزه روان‌شناسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در متون نوشتاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س) تهران.
- شیری، معصومه (۱۳۹۶) ارزیابی موردی معادل‌های نجومی بر اساس اصول و ضوابط واژه‌گزینی. مجله زبان و زبان‌شناسی، ۱۳ (۲۵)، ۱۲۹ - ۱۰۷.

- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۵)، کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، ۸، صص ۸۵ – ۱۰۲.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸)، اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- گروه واژه‌گزینی فرهنگستان (۱۴۰۰) فرهنگ واژه‌های مصوب، ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۱۴.
- گندمی، نسرين (۱۳۸۰) بررسی واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه‌های عمومی ۱ و واژه‌های عمومی ۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- محمودی، رعنا (۱۳۸۸) بررسی میزان کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مقایسه با واژگان قرضی در ترجمه‌ی تخصصی دانشگاهی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۵) برنامه‌ریزی زبان. مجله زبان‌شناسی، سال دوازدهم، شماره ۱۱، صص ۲۵-۴۹.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- المعی، هاله (۱۳۶۸) تأملی بر واژه‌سازی و معادل‌گزینی علمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- منصوری، رضا (۱۳۷۴) چرا و چگونه فارسی باید زبان علمی ما باشد؟. نشر دانش، شماره ۴، صص ۱۲.
- منصوری، رضا (۱۳۹۰) واژه‌گزینی در ایران و جهان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- نامه فرهنگستان، دوره دهم، شماره ۳۷، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲-۲۷.
- نعمت زاده، شهین (۱۳۹۵) وام‌گیری واژگانی از منظر رده‌شناسی زبان،
- والی پور (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر در مقبولیت و کاربرد واژه‌های ارائه‌شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز تهران.
- یل‌شزره، رضا. (۱۴۰۰) نحوه پذیرش واژگان مصوب فرهنگستان در جامعه و راه کارهایی جهت علمی کردن زبان فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۱ (۴)، ۶۹۷ – ۷۱۲.

- Crystal, D. (1992), a Dictionary of Linguistics and Phonetics. Oxford: Blackwell.
- Falk, J. (1978), Linguistics and Language. New York. John Wiley and sons.
- Felber, H. (1984). *Terminology manual*. Paris: UNESCO.
- Goyvaerts, D. L. (1975). *Present day historical & comparative linguistics: an introduction duide to theory and method*, story scientica.
- Hunt, M. 1985, Profile of Social Research: The Scientific Study of Human Interactions, New York: Russel Sage Foundation.

# پیوست‌ها

پیوست الف: فهرست واژه های زبان شناسی موجود در مجلات زبان شناسی مورد بررسی

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
۱	آغازش	آغازه	۱
	آغازش گر	آغازه هجا	۱
	آغازگر	خوشه های آغازی	۱
	آغازسازی	هسته آغازین	۱
	آغازه	سازه آغازین	۱
	آغازش	زبان های فعل آغازی	۱
		جایگاه آغازه	۱
		آغازگر	۱
۲	آمیزه	آمیزش	۱
	آمیزه سازی	آمیزه فرضی	۱
۳	آواشناسی	آواشناسی	۳
	آواشناختی	کشش آوایی	۱
	آواشناس	کاهش آوایی	۱
	آواشناسی	آواشناسی قضایی	۱
	آواشناسی تولیدی	بازنمایی آوایی	۱
	آواشناسی زیرزنجیری	هم آوا	۱
	آواشناسی شنیداری	آوانویسی	۱
	آواشناسی صوتی	الفبای آوانگاری بین المللی IPA	۱
	آواشناسی فیزیکی	وقفه آوایی	۱
	آواشناسی قانونی	معناشناسی آوایی	۱
	آوانگار		۱
	آوانگاری		۱
	آوا نگاشتی		۱
آوانوشت		۱	
آوانویسی		۱	
آوایی		۱	
هم آوا		۱	
۴	آهنگ	آهنگ	۱
	آهنگ افتان	آهنگ، تکیه، درنگ	۱
		گروه آهنگی	۱
		پساواژگانی آهنگ	۱
۵	ابهام	ابهام	۱
	ابهام زدایی ابهام ساختی ابهام واژگانی	ابهام واژگانی	۱
۶	اختصار کوتاه نوشت	کوتاه شدگی	۱
	اختصارسازی کوتاه سازی	اختصارسازی	۱
۷	ادغام	ادغام	۱
	ادغام شده	ادغام صرفی	۱
۸	استعاره	استعاره	۱۲

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	استعاره جهت‌ی	استعاره ی مفهومی	۸
	استعاره ساختاری	استعاره ساختاری	۱
	استعاره مفهومی	Entity Metaphors Substance/ استعاره پدیده‌ای یا مادی	۱
	استعاره هستی‌شناختی	Metaphors Container استعاره های ظرف	۱
	استعاری	Personification Metaphors استعاره های شخصیت	۱
		استعاره ی دستوری	۱
		استعاره های نامتعارف	۱
		metaphors image استعاره های تصویری	۱
		metaphors mega استعاره های کلان	۱
		metaphors micro استعاره‌های خرد	۱
		mapping metaphorical استعاره‌ی نگاشت	۱
		استعاره شناختی	۱
		گسترش استعاری	۱
		استعاره های بدن مند	۱
		استعاره وجه	۱
		کلان استعاره	۱
		استعاره های تک وجهی	۱
۹	اسم	ساخت‌های دواسمی	۱
	اسم جنس	اسم مصدر	۱
	اسم مصدر	ساختار اسمی	۱
	اسم نامشمارا	اسم سازی nominalization	۲
	اسم شمارا	هسته اسمی	۱
۱۰	اسناد	حالت اسنادی	۱
	اسنادی		
۱۱	اشاره	زمان دستوری نظامی اشاری	۱
	اشاره اجتماعی		
۱۲	اشتقاق	اشتقاق نحوی	۲
	اشتقاق صفر	اشتقاق و تصریف	۱
	اشتقاق معکوس		
۱۳	اشتقاقی		
	اضافه	برایی-اضافه	۱
	پس اضافه	پس اضافه	۲
۱۴		ساخت های اضافی	۱
	اطلاع کهنه	اطلاع نو	۳
	اطلاع مفروض	اطلاعات کهنه	۱
۱۵	اطلاع نو	اطلاعات آوایی، واجی، صرفی	۱
	افزوده	وند افزایی	۶
		واژه بست افزایی	۱
		افزوده های وجهی	۱
		افزوده	۶

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
		قاعده افزایی	۱
		پسوندا افزایی	۱
		افزایش یا کاهش معنایی	۱
		افزوده سازی	۱
		افزوده های کمکی	۱
۱۶	الفبا الفبایی	الفبای آوانگاری بین المللی IPA	
۱۷	اندام تولید اندام تولید غیرفعال اندام تولید فعال اندام های آوایی	اندام واژه ها	۱
۱۸	انسجام انسجामी	انسجام دستوری انسجام واژگانی انسجام متنی	۱ ۱ ۱
۱۹	انسداد انسداد کامل انسداد متناوب انسداد ناقص انسداد نرم کامی انسدادی	همخوان انسدادی	۲
۲۰	بازداری بازسازی بازسازی تطبیقی بازسازی درونی بازسازی رده شناختی بازگویی بازنمود بازهباندی	بازنمایی بازتحلیل بازنمایی بازنمون بازنمود صوری	۵ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۲۱	بافت بافت زبانی بافت آزاد بافت زدوده بافت غیرزبانی بافت موقعیتی بافت وابسته بافتی بافتی کردن	بافت بافتی کردن بافت زبانی بافت موقعیتی فارغ از بافت free-context بافت گفتمان context discourse بافت فرا زبانی کلام بافت های تکیه بر و بی تکیه بافت نحوی بافت گفتمانی بافت آوایی گسترش بافت کاربردی معنی بافت بنیاد گونه بافتی	۱۰ ۱ ۶ ۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱



فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	دانش بافتی		
۱	بافت کلام		
۱	گونه بافتی		
۱	بافت کاربردی		
۱	بافت بینامتنی		
۱			
۱			
۱			
۱	personification شخصیت بخشی	بخش پایه	۲۲
۱	Embodiment جسمیت بخشیدن	بخش گشتاری	
		بخش معنایی	
		بخش نحوی	
		بخش واجی	
۱	برای - اضافه	برای	۲۳
۱	کمیته گرا	برنامه کمیته گرا	۲۴
۱	Exocentric Compound برون مرکز	برون سو	۲۵
		برون مرجع	
۱۰	واژه بست	بست	۲۶
۱	کار بست	بست کامل	
۱	نظام های واژه بستی	بست ناقص	
۳	بن واژه	بن	۲۷
		بن واژه	
		بن واژه سازی	
۱	ستاک	ستاک	۲۸
۱	بند موصولی	بند	۲۹
۱	بند توصیف گر	بند پایه	
۲	بندهای متممی اسم	بند سامان	
۴	بند	بند قیدی	
۱	بندهای همپایه	بند متممی	
۱	سیاق بندی	بند موصولی	
۱	بند خبری	بند موصولی توصیفی	
۱	بندهای کنترلی	بند موصولی توضیحی	
۱	لایه های درونی (بند پیرو)	بند وابسته بند پیرو	
۱	لایه های بیرونی (بند پایه)		
۱	بند موصولی		
۱	بندهای خود ایستا و ناخود ایستا		
۱	هم پایه	پایه	
۱	ساخت همپایه	بند پایه	
۱	ناهمپایه		
۱	بندهای همپایه		
۱	تناوب های همپایه		
۱	ترکیب های همپایه		

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
۳۱	پرسش آری - نه ای پرسش که - چه دار پرسش واژه	پرسش واژه	۱
۳۳	پایانه پایان بخش پایانه ساده پایانه مرکب حذف پایانی زبان های هسته پایان	پایانه کشش هجای پایانی هسته پایانی زبان های فعل پایانی پایانه هجا	۲ ۱ ۱ ۱ ۱
۳۴	پسوند پسوند افزایی پسوندی	پسونداشتقاقی پسوند افزایی پسوند	۱ ۲ ۱
۳۵	پیشوند پیشوندافزایی پیشوندی	پیشوند	۱
۳۶	پیوند پیوند همپایه ساز	پیوندی همپیوندی ساختوازی	۴ ۱
۳۷	پیدایش زبان آمیخته زبان آمیخته زبان هم آمیخته تصریفی	زبان های هم آمیخته	۱
۳۸	تجربه گر تجربه گرایی	تجربه گر	۱
۳۹	تحلیل گفتمان تحلیل متن	تحلیل گفتمان بازتحلیل تحلیل کلام زبان های تحلیلی تحلیل بلاغی تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل معناشناختی	۴ ۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱
۴۰	ترانوش ترانویسی	ترانویسی Tranliteration Transkription ترانگاری تراگذرندگی	۲ ۱ ۱
۴۱	تشدید	تشدید کننده تشدیدزدایی	۱ ۱
۴۲	تصریف تصریف اسم تصریف فعل تصریفی	تصریف وندتصریفی صیغگان تصریفی زبان های تصریفی	۳ ۱ ۱ ۱
۴۳	تصویرگونگی تصویر گونه تصویر نگاشت تصویرنگاری	تصویرگونگی طرح واره های تصویری	۳ ۳

فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱ ۱	تغییر زبان حین گفتگو switching تغییرات آوایی phonological changes	تغییر تغییر آوایی تغییر جاری تغییر درونی تغییر ساختی تغییر مجازی تغییر مقوله	۴۴
۱ ۱ ۱ ۱ ۱	تقابل معنایی تباین معنایی تقابل چندوجهی تقابل واجی رابطه تقابلی تقابل های دو گانه سوسوری	تقابل	۴۵
۲	انگاره	تک نگاره تک نگاره شناختی تک نگاره شناسی تک نگاره گونه	۴۶
۷ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱	تکواژ تکواژ صفر تکواژ محتوایی تکواژه نظام مند تکواژ میانجی تکواژ گونگی تکواژ چندوجهی تکواژ آرایبی تکواژ آزاد دستوری تکواژ مقید	تکواژ تکواژ آزاد تکواژ اشتقاقی تکواژ تصریفی تکواژ گونه تکواژ نقشی تکواژ دستوری تکواژ واژگانی تکواژه تکواژه ای تکواژی واژ صفر	۴۷
۱	داخل ۶۷ interference	تداخل	۴۸
۱	هم معنایی	ترادف، هم معنایی	۴۹
۶ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱	تکیه تکیه - زمان تکیه زیرویمی تکیه کلمه تکیه جمله آهنگ، تکیه، درنگ	تکیه تکیه ای تکیه جمله تکیه دار تکیه زیر و بمی	۵۰
۳ ۱ ۱ ۱ ۱	توانش زبانی توانش دستوری توانش گفتمانی توانش راهبردی توانش کارکردی	توانش ارتباطی توانش دستوری توانش زبانی توانش کاربردشناختی	۵۱

فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	توصیف گر	توصیف توصیف ساختی توصیف گر توصیف گرا توصیف گرایی	۵۲
۱ ۱ ۱	تکیه جمله جمله وارہ خرده جمله	جمله ناهمپایه مرکب	۵۳
۲ ۱ ۱	ریشه ریشه شناسی ریشه های انتزاعی	ریشه ریشه شناختی ریشه شناسی	۵۴
۲ ۱ ۴ ۱	زایا زایا بودن زایایی غیرزایا	زایا زایایی	۵۵
۱	بست چاکنایی	چاکنای چاکنایی	۵۶
۱	چندزبانگی	چندزبانگی	۵۷
۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱	حالت دهی حالت اسنادی نظام حالت و مطابقه حالت دهی واژگانی Case Lexical حالت وابسته Case Dependent حالت بی نشان Case Unmarked حالت کنایی - مطلق حالتنمایی کنایی گسسته حالت‌های گذرا و ناگذر حالت فاعلی - مفعولی حالت نمای ملکی نظامهای حالت پنجگانه کامری حالتنما حالت وابستگی حشو	حالت انتزاعی حالت برایی حالت دری حالت دستوری حالت کنایی حذف آغازی حذف آوایی حذف پایانی	۵۸
۱ ۱ ۱	انسدادیهای دهانی و غیردهانی خیشومی خیشومی شدگی خیشومی نرمکامی	خیشوم	۵۹
۱ ۱ ۱ ۱ ۱	خط آرامی	خط خط پیوند خط شناسی خط فاصله خط میخی خط واژه نگار	۶۰

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	خط هجانگار خط هجایی		۱ ۱ ۱
۶۱	خلأ واژگانی	خلأ واژگانی	۱
۶۲	خوانش پریش خوانش پریشانه خوانش پریشی خوانش پریشی اکتسابی خوانش پریشی رشدی خوانش پریشی سطحی خوانش پریشی عارضی خوانش پریشی واجی	کنش پریشی و خوانش پریشی خوانش وجودی خوانش نتیجه ای	۱ ۱ ۱
۶۳	خوشه خوشه همخوانی	کاهش خوشه یا ساده سازی خوشه‌های دوهمخوانی خوشه های آغازی	۱ ۱ ۱
۶۴	درج همخوان	درج همخوان درج	۱ ۱
۶۵	درخت خانوادگی درخت ساخت گروهی	درخت وراثت	۱
۶۶	درزمانی	زبان شناسی درزمانی	۱
۶۷	درنگ	آهنگ، تکیه، درنگ	۱
۶۸	درون سو درون مرجع درون مرجعی درون مرکز درونه گیری	درون مرکز پایایی درون ارزیاب Inter-rater reliability همترازی درون صیغگانی	۱ ۱ ۱
۶۹	درخت خانوادگی	درخت وراثت	۱
۷۰	دستور توصیفی دستور جمله بنیاد دستور زایشی دستور گشتاری دستور ساختی دستور مرجع دستور نقش گرا دستوری شدگی دستوری شدن دستوری شده غیردستوری توانش دستوری	دستور دستوری شدگی نمود دستوری نمود دستوری تام نمود دستوری ناقص دستوری زدایی انسجام دستوری دستور نقشی - نظام مند ساختار دستوری دستور زبان معنا شناسی دستوری استعاره دستوری دستور نظام مند نقشگرا. تکواژه ای دستوری مقوله های دستوری	۵ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱



فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	دشوآژه تابو واژه		
۱۴	زبان	زبان	
۱	زبان غالب	زبان آمیخته	
۱	بازنمایی های زبانی	زبان اشاره	
۱	جهانی های زبان	زبان اول	
۱	زبانشناسی بومگرا	زبان باختگی	
۱	زبانپیشی بروکا	زبان برونی	
۱	زبان های پیوندی	زبان بومی	
۱	زبان های هم آمیخته	زبان سیاست	
۱	زبان های تحلیلی	زبان پریش	
۱	تلاعات ارتباطی غیرزبانپیشی	زبان پیشی	
۱	زبان بومی ENL	زبان پیوندی	
۱	زبان دوم ESL	زبان تحلیلی	
۱	تکرزبان/دوزبان	زبان ترکیبی	
۱	چندزبانگی	زبان تصریفی	
۱	عادت های زبانی habits linguistic	زبان تماس	
۱	زبانشناسی مقابله ای Linguistics Contrastive	زبان چندترکیبی	
۱	زبانشناسی رایانشی	انضمامی	
۱	زبان های فعل پایانی	زبان خاموش	
۱	زبان های فعل آغازی	زبان درونی	
۱	زبان های وابسته - هسته head- dependent	زبان ساختگی	
۱	توانش زبانی	زبان شناس	
۱	گونههای زبانی	زبان شناسی	۷۲
۳	زبانشناسی نقشگرا	زبان شناسی آماری	
۱	زبانشناسی صورتگرا	زبان شناسی آموزشی	
۱	زبان های پیوندی	زبان شناسی انتقادی	
۲	زبان های تصریفی	زبان شناسی بالینی	
۱	زبان های گسسته	زبان شناسی بوم شناختی	
۱	زبان های میانوندی	زبان شناسی پیکره‌ای	
۱	زبان های انضمامی	زبان شناسی تاریخی	
۱	زبانشناسی پیکره‌ای	زبان شناسی تربیتی آموزشی	
۳	زبان نشاننداری	زبان شناسی توصیفی	
۱	زبان های مرکزی	زبان شناسی جغرافیایی	
۱	زبان های کنائی کانونی ergative Canonical	زبان شناسی در زمانی	
۱	جهانی های زبان Universals of Language	زبان شناسی رایانشی	
۱	جنسیت گرایی زبانی	زبان شناسی رشد	
۱	بینازبانی crosslinguistic	زبان شناسی رشدی	
۱	زبان های مرده	زبان شناسی ریاضی	
۱	کاربردشناسی زبان	زبان شناسی زیستی	
۱	وام گیری زبانی linguistique Emprunt	زبان شناسی فلسفی	
۱	زبان وام گیرنده Emprunteuse Langue	زبان شناسی قانونی	
۱	زبان وام دهنده Langue prêteuse	زبان شناسی قومی	
۱	فرضیه همبستگی زبانی hypothesis Interdependence	زبان شناسی کاربردی	

فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	فرضیه آستانه زبانی hypothesis threshold	زبان شناسی کمی	
۱	رده شناسی زبان	زبان شناسی متن	
۱	نسبیت زبانی	زبان شناسی مردم شناختی	
۱	زبان های بساوندی	زبان شناسی مقابله ای	
۱	زبان شناسی شناختی	زبان شناسی نظری	
۱	مؤلفه های زبانی	زبان شناسی همگانی	
۱	مؤلفه های غیرزبانی	زبان شناسی همه زبانی	
۱	دانش زبانی متنی	زبان طبیعی	
۱	دانش غیرزبانی غیرمتنی	زبان کمکی	
۱	زبانهای تکیه ای	زبان گسسته	
۱	زبان شناسی در زمانی	زبان مادری بومی	
۱	تماس زبانی	زبان مجاز	
۱	زبان غالب	زبان مرده	
۱	ابژه گفته یا متن زبانی	زبان مصنوعی	
۱	سازه زبانی	زبان میانجی	
۱	تماس زبانی	زبان نابه روال	
۱		زبان های هسته آغاز	
۱		زبان های هسته پایان	
۱		زبان های هم خانواده	
۱		زبان هدف	
۱		زبان هم آمیخته تصریفی	
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱			
۱	هجاء-زمان	زمان	
۱	تکیه - زمان	زمان آغاز واک	
۱	مطالعه همزمانی	زمان تقویمی	
۱	گونه ی زمانی Dialect Temporal	زمان دستوری	
۱	زمان های دستوری مطلق	زمان ظاهری	
۱	تکواژ زمان	زمان واقعی	
۱	دوگانگی در زمان و نمود	زمانی	۷۳
۱	زمان دستوری		
۱	زبان شناسی در زمانی		
۱	زمان نمایی		
۱	زمان دستوری نظامی اشاری		
۱	هجازمانی		
۱	زبان شناسی در زمانی		
۱	دانش زمینه ای مخاطب	زمینه برچینی	
۱	زمینه background	زمینه چینی	۷۴
		زمینه چینی کردن	



ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	زمینه سازی		
۷۵	زنشی	زنشی شدگی	۱
۷۶	شمول معنایی زیرشمول زیرشمولی فراشمول فراشمولی	شمول معنایی آزمون زیرشمول hyponymy test	۴ ۱
۷۷	بن واژه بن واژه سازی	بن واژه lemma	۲
۷۸	زبرزنجیری	زبرزنجیری	۶
۷۹	زمینه برچینی زمینه چینی زمینه چینی کردن زمینه سازی	دانش زمینه ای مخاطب زمینه background زمینه contex	۱ ۱ ۱
۸۰	دشوازه	دشوازه دشوازه ها دشوازه تابو واژه	۱ ۱ ۱
۸۱	دوزبان گونگی دوزبانگی دوزبانه	دو زبانه دو زبانهگی زبان پریشی دو زبانه تک زبانه/ دو زبانه دوزبانۀ منظورشناسی زبان دوم	۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۸۲	دوگانگ دوگانه شدگی مصوت واکه	دوگانگی در زمان و نمود split-aspect tense	۱
۸۳	دون ساخت اطلا گوش فردی گوشی وام گیری گوشی	گوش گوش محلی	۶ ۱
۸۴	دیرش	دیرش مناطق واکهای دیرش مناطق همخوانی دیرش	۱ ۱ ۳
۸۵	رابطه جانشینی رابطه همنشینی	روابط همنشینی و جانشینی محور جانشینی محور هم نشینی جانشینی	۱ ۱ ۱ ۱
۸۶	رده شناختی رده شناسی رده شناسی زبان رده واژه طبقه واژه طبقه بندی رده شناختی	رده شناسی رده شناسی ساخت واژی رده شناسی صرفی رده شناختی	۳ ۱ ۱ ۱
۸۷	رده واژه (طبقه واژه)	طبقه بندی جهانی ها	۱

فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	طبقه ساختوازی	طبقه باز	
۱	طبقات دستوری	طبقه بسته	
		طبقه بند	
		طبقه بندی رده شناختی	
		طبقه	
۱	زبان پریشی روان	روان	۸۸
۱	روانشناسی زبان	روان شناسی زبان	
۱	ساخت رویداد	رویدادگفتاری	۸۹
۱	زنشی شدگی Flapping	زنشی	۹۰
۱	ژرف ساخت	ژرف ساخت	۹۱
۱	ساختواژه	ساخت	
۱	ساختار	ساختار	
۱	ساخت هجا	ساختار اطلاع	
۱	ساخت منجمد	ساخت اطلاع	
۱	ساخت های کنایی	ساخت دستوری	
۱	ساختار مفهومی	ساخت سازه ای	
۱	ساخت همپایه	ساختگرا	
۱	ساخت دستوری	ساختگرایی	
۱	ساختار گذرایی	ساخت مشتق	
۱	ساختهای دومفعولی	ساخت معنایی	
۱	ساخت سببی	ساخت نابه روال	
۱	ساختهای مبتدایی	ساخت نحوی	
۱	الگوهای ساختارشناسانه	ساخت واجی	
۱	ساختار گذرایی	ساختواژه	
۱	معناشناسی ساختگرا	ساختواژه اشتقاقی	
۱	واج شناسی ساختگرا	ساختواژه تصریفی	
۱	صرف ساختگرا	ساختواژه توزیعی	
۱	مکاتب ساختگرا	روساخت	۹۲
۱	ساخت بی نشان		
۱	ساختار لفظی		
۱	ساختار لغوی		
۱	استعاره ساختاری		
۱	ساختار اسمی		
۱	ساختار فعلی		
۲	ردهشناسی ساخت واژی		
۱	ساختواژه		
۱	دستور ساخت		
۱	ساخت های همپایه		
۱	مکتب ساخت گرایی		
۱	ساخت گفتمان structure discourse		
۱	ساختارگرایی Structuralism		
۱	ساختوازی		

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
		ساخت گرایبی اجتماعی view constructivist Social	۱
		ساخت کنایی	۱
		یزساختار	۱
		کلان ساختار	۱
		زیرساخت	۱
		پساساخت گرایبی	۱
			۱
			۱
			۱
			۱
			۱
			۱
			۱
			۱
۹۳	سازه سازه ترکیبی	سازه ترتیب سازه گذار سازه ای سازه زبانی فرکانس سازه	۱۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۹۴	سایش سایشی ساییدگی	سایش آوایی همخوان های سایشی سایشی شدگی	۲ ۱ ۱
۹۵	سببی	فعل سببی ساخت سببی تکواژ سببی ساز تناوب سببی سببی سازی سببیت یا بهره کشی	۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۹۶	سبک تعریف	فعل سبک سبک شدگی معنایی سطح سبکی - منظورشناختی	۵ ۱ ۱
۹۷	سرواژه سازی	سرواژه سازی	۱
۹۸		سرنمون	۴
۹۹	سلسله مراتب جاننداری	سلسله مراتبی	۲
۱۰۰	سیاق	سیاق	۲
۱۰۱	شبکه تنا	شبکه متنی	۲
۱۰۲	شبه جمله	شبه واژه فعل های معین در زبان فارسی state-like شبه ایستا شبه رندوم	۱ ۱ ۱
۱۰۳	شخص شخص نام	گونه ی Idiolec شخص	۱ ۱

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	شخص نام شناختی شخص نام شناس شخص نام شناسی		
۱۰۴	شم زبانی	شم زبانی	۱
۱۰۵	شناسه	شناسه	۳
۱۰۶	صامت همخوان صامتی همخوانی نییم صامت	صامت	۱
۱۰۷	صرف صرف اشتقاقی صرف تصریفی صرف توزیعی صرفی	صرف صرف توزیعی نظام های صرفی زبان زایایی صرفی پیشوندهای قاموسی و صرفی رده شناسی صرفی صرف ساختی انگاره ی صرف توزیعی	۴ ۵ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۰۸	صفت صفت برتر صفت برین صفت عالی صفت فاعلی فعلی صفت فعلی صفت مطلق صفت مفعولی	صفت بیانی	۱
۱۰۹	صوت صورت آوایی صورت ساز صورت منطقی صورت واژه صوری	صورت واژه صورت واژگانی ۲ صورت نقشی صورت های مطلق صورت گرا زبانشناسی صورتگرا رویکردهای مطلق گرا absolutist و صورتگرا formalist صورت های زبانی linguistic expressions صورت نحوی صورت سازواره ای	۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۱۰	صیغگان	صیغگان اشتقاقی صیغگان تصریفی بیناصیغگانی همترازی درون صیغگانی صیغگان	۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۱۱	ضمیر ضمیر اشاره ضمیر انعکاسی	ضمیر همگانی	۱

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	ضمیر پرسشی ضمیر تکراری ضمیر شخصی ضمیر غیرشخصی ضمیر ترفیع ضمیر نامعین		
۱۱۲	طبقه باز طبقه بسته طبقه بند طبقه بندی رده شناختی طبقه	طبقه بندی جهانی ها	۱
۱۱۳	عامل	عاملیت	۴
۱۱۴	عبارت ارجاعی عبارت مصداقی	عبارت phrase	۲
۱۱۵	غلطان	غلت غلتشدگی واکه	۲ ۱
	فعل اسنادی	فعل ربطی	
۱۱۶	قیاس قیاسی	قیاس	۲
۱۱۷	کاربردشناختی کاربردشناسی	کاربردشناسی کاربردشناسی بینافردی سطح گفتمانی - کاربردی کاربرد شناسانه Pragmatic کاربردمحور بافت کاربردی بسامد کاربرد کاربردی شدگی pragmaticalization	۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۱۸	کارکردگرایی	کارکردمتنی	۱
۱۱۹	کامی انسداد نرم کامی ساز و کار جریان هوای نرم کامی	کامی نرمکامی شدگی پس کامی کامی شدگی همخوان های لبی، نرمکامی خیشومی نرمکامی	۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۲۰	کانون	برکانونی پیش کانونی پس کانونی	۱ ۱ ۱
۱۲۱	کشش	کشش کشش اوایی کشش واکه کشش هجای پایانی کشش جبرانی	۱ ۱ ۱ ۱ ۱

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
		کشش واکه	۱
۱۲۲	کنایی	ساخت های کنایی ساخت کنایی حالت نمایی کنایی گسسته	۱ ۱ ۱
۱۲۳	کنش کنش پذیر کنشگر کنش گفتاری	کنش کنش گفتاری کنشگر کنش بیانی کنش غیربیانی رابطه ی کنش پذیر کنش منظوری کنش لفظی کنش گفتاری عذرخواهی of act speech ap کنش کلامی افعال کنشی ۲ کنش پریشی و خوانش پریشی کنش ابزاری عامل یا کنشگر کنش گر و کنش پذیر	۳ ۳ ۷ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۲۴	کوته سازی	اختصار سازی	۱
۱۲۵	گذرا متعددی گذراساز متعدد ساز	افعال ناگذر ساختارگذرایبی گذرایبی حالت های گذرا و ناگذر افعال گذرا و ناگذر تراگذرندگی	۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۲۶	گرده برداری	گرته برداری	۱
	مطابقه	نظام مطابقه	
۱۲۷	گرایی تجربه گرایی توزیع گرایی توصیف گرایی ساختگرایی سامان گرایی فطری گرایی کارکردگرایی کهن گرایی واگرایی	مکتب ساخت گرایی Structuralism ساخت گرایی اجتماعی view constructivist Social جنسیت گرایی زبانی	۱ ۱ ۱
۱۲۸	گسترش معنایی	گسترش استعاری گسترش بافت کاربردی گسترش معنایی	۱ ۱ ۱
۱۲۹	گشتار	فراگشت مفعول	۱

فراوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
		گشتارگرا گشتاری بخش گشتاری دستور گشتاری دگر گشت رده شناختی دگرگشت زبان	
۱ ۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱	گفتمان Discourse تحلیل گفتمان انتقادی بافت گفتمان context discourse ساخت گفتمان structure discourse تحلیل گفتمان و گفتگو Discourse and conversation analysis گفتمان روایی گفتمان سازی	گفتمان شناسی	۱۳۰
۱ ۱ ۱ ۱	گفته ها کار گفت ها Acts Speech گفته یاب ابژه گفته یا متن زبانی	گفته	۱۳۱
۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۳ ۱ ۱	گونه واژگونه گونه جغرافیایی Dialect Geographical گونه اجتماعی Sociolect گونه زمانی Dialect Temporal گونه شخصی Idiolec واژگونه های فعلی گونه های زبانی واج گونه گونه ی زبانی تکواژگونه	گونه تصویرگونه تکواژگونه	۱۳۲
۶ ۱	گوبش گوبش محلی	گوبش فردی گوبشی	۱۳۳
۱	آوای لرزان	لرزشی	۱۳۴
۷	لهجه	لهجه	۱۳۵
۴ ۵	مبتدا مبتداسازی	مبتدا مبتداسازی	۱۳۶
۲ ۱ ۱	متمم ساز متمم نما بند متمم	متمم ساز متمم نما	۱۳۷
۲ ۱ ۴ ۱	مجاز مفهومی Conceptual Metonymy مجاز کل به جزء Synecdoche مجاز مشخصه های نوایی	جزء واژگی مجاز جزء به کل ۲ تغییر مجازی زبان مجاز مشخصه معنایی	۱۳۸ ۱۳۹

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	هندسه مشخصه ها	مشخصه های نحوی - معنایی	۱
۱۴۰	مؤلفه معنایی	مؤلفه ی وانمودی بودن مؤلفه های معنایی ۲ مؤلفه های واژگانی مؤلفه های سبکی مؤلفه های زبانی مؤلفه های غیرزبانی مؤلفه های آکوستیکی مؤلفه ی پارامتر مؤلفه ی نگرش گوینده ذهنی شدگی مؤلفه ی گفتمان	۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۴۱	مقوله تغییر مقوله	مقوله های دستوری ریشه های بی مقوله A category roots عناصر مقوله ساز فعل های سبک مقوله ساز مقوله زدایی مقوله تهی Empty Category Principle فرضیه مقوله بندی	۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۴۲	نشان (مارک) نشانه	نشانداز نشانه های موصولی حالت بی نشان Case Unmarked نشانداری صوری چپ نشانی نشانه شناسی ساخت بی نشان کاهش نشانداری نشانه گذاری داده نشان داری صرفی - نحوی نشانه شناسی نشانه های آوانگاری نشانه های زبانی نشانه معنانشناسی نشانه شناسی سوسوری نشانه شناسی ساختارگر نشاندگرهای آوایی	۵ ۱ ۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۴۳	آوا نگاشتی پیش انگاشت پیش انگاشته پیش انگاشتی تصویر نگاشت	نگاشت Mapping نام نگاشت نگاشت مفهومی نگاشت استعاره ۲ mapping metaphorical	۳ ۱ ۱ ۲
۱۴۴	واژگان درونی واژگان ذهنی	افعال ذهنی verbs mental دستور ذهنی Mental Grammar	۱ ۱



فرآوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۱	نمود ذهنی mental representation		
۱	واژگان ذهنی		
۱	فضاهای ذهنی		
۱	ذهنی شدگی		
۱	بین ذهنی شدگی		
۱	مصوت	مصوت صامت صامتی نیم صامت	۱۴۵
۵	نمود	نمود	
۴	نمود دستوری	نمودآوایی	
۱	نمود دستوری تام	بازنمود	
۱	نمود دستوری ناقص		
۱	نمود ذهنی mental representation		
۱	نمود کامل		
۱	نمود ناقص		
۱	نمود تام و غیر تام		
۱	بازنمود صوری		
۳	نمود واژگانی		
۱	آینده ی نمودی		
۱	نمود پیش نگر		
۱	نمود درونی		
۱	نمود موقعیتی		
۱	مؤلفه وانمودی بودن		
۱	نظام واکه ای	نظام نوشتاری	
۱	تکواژه نظام مند system morpheme		
۱	نظام های واژه بستی clitic systems		
۱	دستور نقشی - نظام مند		
۱	دستور نظام مند نقش گرا		
۱	نظام حالت و مطابقه		
۱	نظام های صرفی زبان		
۱	نظام مطابقه		
۱	نظام های حالت پنجگانه کامری		
۱	نظام وجهی		
۱	زمان دستوری نظامی اشاری		
۱	نظام ارزشی هم ریخت		
۹	هجا	هجا	
۱	هجا-زمان	تک هجایی	
۲	ساخت هجا	بازهجابندی	
۱	قله ی هجا	خط هجانگار	
۱	تقطیع هجایی	خط هجایی	
۱	تک هجایی	دوهجا	
۱	هجای بسته	دوهجایی	۱۴۸

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	هجابندی	هجای باز	۱
	هجای باز	لگوی هجایی	۲
		آغاز ی هجا	۱
		پایانه ی هجا	۱
		هجای تکیه بر	۱
		دیرش هجا	۱
		هجاها و پایه ها	۱
		هجازمانی	۱
۱۴۹	همخوان صامت خوشه همخوانی همخوانی صامتی همخوان صامت نیم همخوان	همخوان همخوان انسدادی همخوان میانجی دیرش مناطق همخوانی همخوانهای سایشی درج همخوان خوشه همخوانی همخوان های تیغه ای خوشه های دوهمخوانی همخوان های لبی، تیغه ای و بدنه ای همخوان های لبی، نرمکامی همخوان خیشومی	۷ ۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۳ ۳ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۵۰	هسته بی هسته پارامتر هسته زبان های هسته آغاز زبان های هسته پایان	هسته برونی هسته پایانی هسته آغازین هسته پایانی head- dependent t هسته – وابسته the dependent-head هسته – وابسته هسته اسمی هسته پایانی هسته میانی هسته ای اتمی بودن فعل	۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۵۱	وابسته سازی پیروسازی	وابسته پیرو head-dependent هسته – وابسته Case Dependent حالت وابسته	۱ ۱ ۱
۱۵۲	واژگان ابهام واژگانی تکواژ واژگانی خلأ واژگانی فعل واژگانی فعل تام واژگان درونی واژگان ذهنی	عناصر واژگانی واژگان صورت واژگانی مدخل واژگانی پساواژگانی postlexical واژگانی شدگی انسجام واژگانی واژگان مشتق دانش واژگانی ابهام واژگانی	۱ ۲۴ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱

فرآوانی	واژه به کار رفته در مجله	واژه مصوب	ردیف
۳	وامگیری واژگانی lexical borrowing		
۱	مدخل های واژگانی		
۱	حالت دهی واژگانی Case Lexical		
۱	با هم آیی واژگانی collocation		
۱	الگوهای شناختی و مفاهیم واژگانی Lexical Concepts and		
۱	Cognitive Model Theory		
۱	واژگان قرضی		
۱	پیچیدگی واژگانی		
۱	مؤلفه های واژگانی		
۱	باهم آیی واژگانی		
۱	تکرار واژگانی		
۱	ریشه واژگانی		
۱	قرضگیری واژگانی		
۱	نمود واژگانی		
۱	واژگان ذهنی		
۱	واژگانی شدن		
۱	مدخل واژگانی		
۱	ابزار های واژگانی		
۱	گنجینه واژگانی		
۱	تکیه واژگانی		
۱	واژگانی شدگی		
۱	پسواژگانی آهنگ		
۱	نمود واژگانی		
۱	خلاً واژگانی		
۱	واژه	واژه	
۱	دوگان سازی واژه بستی	بن واژه	
۱	وام واژه	بن واژه سازی	
۲	شبه واژه	به واژه	
۲	ناواژه	پرسش واژه	
۱	اندام واژه	تکواژه	
۱	نواژه	دشواژه	
۲	دشواژه تابو واژه	رده واژه طبقه واژه	
۱	تکواژها	ساختواژه	۱۵۳
۱	واژههای نقشی	سرواژه سازی	
۱	واژههای محتوایی	صورت واژه	
۱	توکنها موردواژه ها	کهن واژه	
۲	ناواژه گرا	وام واژه	
۱	نام آواواژه ها	نواواژه	
۱	واژه بست		
۱			
۱			
۱			
۷	واکه	واکه مصوت	۱۵۴

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
	ساده شدگی واکه	کاهش واکه ای	۱
	نیم واکه	کشش واکه	۲
	هماهنگی واکه ای	واکه نرم افراشته	۱
	واک سازی	واکه رهیده	۱
	واکه افراشته	نظام واکه ای	۱
	واک	واکه گرد	۱
	واکدار	میزان برجستگی واکه‌ای	۱
	زمان آغازی واک	دیرش مناطق واکه ای	۱
		غلطشدگی واکه	۱
		واکه های مرکب	۱
		فضای واکه ای space Vowel	۱
		هماهنگی واکه ای	۱
		واکه ای شدگی	۱
		واکه مرکب	۱
		واکه ساده	۱
		حذف واکه ای	۱
		افراستگی واکه	۱
		واکه افتاده	۱
		واکه افراشته	۱
		التقای واکه ها	۱
		تناوب های واکه ای	۱
۱۵۵	وام گیری گویشی	وام گیری وام واژه وام گیری واژگانی وامگیری زبانی linguistique Emprunt زبان وامگیرنده Emprunteuse Langue زبان وامدهنده Langue prêteuse	۸ ۶ ۳ ۱ ۱ ۱
۱۵۶	وجه وجه اخباری وجه التزامی وجه امری وجه پرسشی وجه تمنایی وجه شرطی فعل وجهی	وجه افزوده‌های وجهی تقابل چندوجهی وجه فعل (derivable mood) افعال وجه الزامی وجهیت ساخت وجهی وجه و ساختار وجهی ادات وجه نما استعاره وجه استعاره های تک وجهی نظام وجهی نظام وجهیت	۷ ۳ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱
۱۵۷	وند	وند ونداشتقاقی	۴ ۲

ردیف	واژه مصوب	واژه به کار رفته در مجله	فراوانی
		وندتصریفی	۲
		وند افزایی	۳
		وندواره	۲
۱۵۸	هماهنگی واکه ای	هماهنگی واکه ای	۱

پیوست ب:

## باسمه تعالی

دوست عزیز

### ضمن عرض سلام و تشکر از همکاری حضرت تعالی

پرسش‌نامه‌ی حاضر به منظور بررسی و ارزیابی میزان جافتادگی و کاربرد معادل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات زبان‌شناسی طراحی شده است. در بخش اول، معادل‌های مصوب فرهنگستان برای تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات زبان‌شناسی آمده است و در بخش دوم، واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی زبان‌شناسی ذکر شده است. در بخش پایانی شما با پاسخ‌های خود مبنی بر آشنایی، کاربرد و موافقت با معادل‌های مصوب، دیدگاه خود را درباره‌ی این معادل‌ها مطرح می‌کنید.

نظرسنجی	دیدگاه شما			واژه‌ی حوزه‌ی زبان‌شناسی	معادل مصوب	ردیف
	آیا این معادل را می‌پسندید؟	آیا در نوشتار علمی خود این معادل را به کار می‌برید؟	آیا از وجود این معادل مطلع بوده‌اید؟			
به عقیده شما به منظور استفاده نویسندگان مقالات نشریات علمی از واژگان مصوب فرهنگستان، چه راهکارهای را می‌توان ارائه نمود؟				initiation	آغازش	۱
				intonation	آهنگ	۲
				dative	برایی	۳
				lemma	بن‌واژه	۴
				stem	ستاک	۵
				coda	پایانه	۶
				transcription	ترانویشت	۷
				transcription	ترانویسی	۸
				morpheme	تکواژ	۹
				accent	تکیه	۱۰
				Linguistic competence	توانش زبانی	۱۱
				productive	زایا	۱۲
				productivity	زایایی	۱۳
				glottal	چاکنایی	۱۴
			gloss	چم	۱۵	
			nasal	خیشوم	۱۶	
			dyslexic	خوانش‌پریش	۱۷	

نظرسنجی	دیدگاه شما			واژه ی حوزه ی زبان شناسی	معادل مصوب	ردیف
	آیا این معادل را می پسندید؟	آیا در نوشتار علمی خود این معادل را به کار می برید؟	آیا از وجود این معادل مطلع بوده اید؟			
به عقیده شما به منظور استفاده نویسندگان مقالات نشریات علمی از واژگان مصوب فرهنگستان، چه راهکارهای را می توان ارائه نمود؟				dyslexic	خوانش پریشانه	۱۸
				cluster	خوشه	۱۹
				taboo word	دشوازه	۲۰
				hyponym	زیرشمول	۲۱
				Flapping	زنشی	۲۲
				doublet	دوگانگ	۲۳
				duration	دیرش	۲۴
				typology	رده شناسی	۲۵
				friction	سایش	۲۶
				initialism	سرواژه سازی	۲۷
				ending	شناسه	۲۸
				patient	کنش	۲۹
				actor	کنشگر	۳۰
				abbreviation	کوتاه سازی	۳۱
				abbreviation	کوتاه نوشت	۳۲
				transitive	گذرا	۳۳
				Intransitive	ناگذر	۳۴
			Intransitiver	گذراساز	۳۵	
				calque	گرده برداری	۳۶
				transformation	گشتار	۳۷
				closure	گیرش	۳۸
				divergence	واگرایی	۳۹
				meronymy	جزء واژگی	۴۰
				presupposition	پیش انگاشت	۴۱
				consonant	صامت	۴۲
				vowel	مصوت	۴۳
				exponence	نمود	۴۴
				consonant	همخوان	۴۵
				head	هسته	۴۶
				Lexical gap	خلأ واژگانی	۴۷
				phonation	واک سازی	۴۸
				borrowing	وام گیری	۴۹
				affix	وند	۵۰